

کتاب چکیده مقالات

"همایش راهبردمحور مسایل اجتماعی زندگی دانشجویی"

۱۸-۲۰ اردیبهشت ماه

کمیته علمی همایش

- آقای دکتر رضا غلامی(دانشیار موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی)
- آقای دکتر مهدی(دانشیار موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی)
- خانم دکتر فلاحتی(دانشیار موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی)
- آقای دکتر صمیم(دانشیار موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی)
- آقای دکتر حسین زاده(استادیار موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی)
- آقای دکتر اشتری(استادیار موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی)
- آقای دکتر دین پرست(استادیار دانشگاه علامه طباطبایی)
- آقای دکتر ذاکر صالحی(دانشیار موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی)
- آقای دکتر ودادهیر(استادتمام دانشگاه تهران)
- آقای دکتر حاجیان(دانشیار دانشگاه امام حسین)
- آقای دکتر صفری شالی(دانشیار دانشگاه خوارزمی)
- آقای دکتر رستم وندی(معاون سابق وزارت کشور)

دبیر علمی: دکتر آمنه صدیقیان بیدگلی(استادیار موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی)

دبیر اجرایی: منصوره قنبرآبادی(مسئول برگزاری همایش های موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی)





همایش راهبرد محور

مسائل اجتماعی زندگی دانشگاهی

۲۰-۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۲ ساعت ۹ الی ۱۷

www.iscs.ac.ir

تهران، خیابان پاسداران، خیابان شهید مؤمن نژاد (گلستان یکم)، پلاک ۱۲۴،
مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تالار ابونصر محمد فارابی



b2n.ir/iscs

دانشگاه ایران

مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
مؤسسه‌ای در مسیر خلق دانشگاه تمدن ساز





همایش راهبردمحور مسائل اجتماعی زندگی دانشگاهی

۲۰-۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۲ ساعت ۹ الی ۱۷

مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
مؤسسه‌ای در مسیر خلق دانشگاه تمدن‌ساز

پنل ۴. مناسبات دانشگاهی و نقش آن در تداوم مسائل اجتماعی
سه شنبه ۱۹ اردیبهشت - ساعت ۱۴-۱۷/۳۰

دکتر لیلا فلاحتی
انزوای اجتماعی در امتداد انزوا در آموزش عالی
دکتر محمدرضا کلاهی
دانشجو: ابژه‌ی برنامه‌ریزی، یا سوژه‌ی برنامه‌ریز
دکتر حامد طاهری کیا
دانشگاه محصور در معماری
دکتر صدرا خسروی
نازیسته: زیست دانشجویی در آموزش آنلاین
دکتر ناصرالدین علی تقویان
آزار جنسی در دانشگاه
دکتر فرشید یزدانی
دانشگاه: مسیر خروج از نابالغی فکری؟

پنل ۵. نقش عناصر دانشگاهی در شکل‌گیری و یا گسترش مسائل اجتماعی
چهارشنبه ۲۰ اردیبهشت - ساعت ۹-۱۲/۳۰

دکتر خدیجه کشاورز
استاد پژوهشگران زن در میدان دانشگاه
مهندس شهیدی
تجربه زیسته دانشجویان از تحقیر اجتماعی در دانشگاه
دکتر زهره انواری
مسائل اجتماعی دانشجویان دختر خوابگاهی
دکتر مهدی حسین‌زاده فرمی
چرخش پارادایمی در فعالیت گروه‌های دانشجویی: آیا آسیب‌ها رهنم خواهد بود؟
دکتر فاطمه قاسم‌پور
نقش تشکلی‌های دانشجویی در کاهش آسیب‌های اجتماعی
دکتر سعیده سعیدی
واکاوی زندگی دانشگاهی دانشجویان بین‌الملل در ایران: مطالعه موردی اتباع افغانستان

پنل ۶. تجارب موفق در پیشگیری و مقابله با مسائل اجتماعی در محیط دانشگاه
چهارشنبه ۲۰ اردیبهشت - ساعت ۱۴-۱۷

ارمغان مهمدی
تجارب کشور‌های موفق در پیشگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی در دانشگاه‌ها
دکتر احمد کلاته ساداتی
ظرفیت دانشجویی در مواجهه با بحران‌ها، یک سیاستگذاری هوشمندانه
دکتر رضا صفری شالی
تجربیات و جایگاه مددکاری اجتماعی در کاهش مسایل و مشکلات دوران دانشجویی

سخنرانی افتتاحیه

دوشنبه ۱۸ اردیبهشت - ساعت ۹

دکتر رضا غلامی
دانشگاه و آسیب‌های اجتماعی درون‌زا و برون‌زا

پنل ۱. شناخت عرصه مسایل اجتماعی دانشگاهیان

دوشنبه ۱۸ اردیبهشت - ساعت ۱۰-۱۲

دکتر غلامرضا ذاکر صالحی
زمینه‌های آسیب‌پذیری دانشگاه ایرانی
دکتر محمد حسن شریقیان
تحلیل جامعه‌شناختی سلامت اجتماعی دانشجویان
دکتر تقی رستم‌وندی
بایسته‌های مدیریت کلان آسیب‌های اجتماعی

پنل ۲. مسئولیت دانشگاه در قبال پیشگیری و مقابله با مسائل اجتماعی

دوشنبه ۱۸ اردیبهشت، ساعت ۱۴-۱۷/۳۰

دکتر بهرام صلواتی
ارزیابی اثربخشی راهبردهای رشد و توسعه آموزش عالی ایران، بر اساس شاخص‌های مهاجرتی
دکتر مقصود فراس‌تخواه
ابعاد اجتماعی زندگی دانشگاه: تاملی در سیاست‌ها
دکتر جبار رحمانی
فرا‌تحلیلی بر نسبت جنسیت و سواد زیست‌محیطی در مطالعات موجود
دکتر ابادراشتی
مناسبات دانشگاه‌عاری از دخانیات در ایران
دکتر آمنه صدیقیان
دانشگاه و سلامت روان دانشجویان

پنل ۳. توصیف و تبیین وضعیت مسائل اجتماعی در محیط دانشگاه

سه شنبه ۱۹ اردیبهشت - ساعت ۹-۱۲/۳۰

دکتر رضا مصمیم
تولید فرهنگی دانشجویان در مقام ساز و کاری برای تجربه‌ی آزادی در دانشگاه
دکتر ابراهیم حاجیان
چالش‌های هویتی و قومیتی دانشگاهیان
دکتر سپیده‌های مرجانی
وضعیت سرمایه اجتماعی دانشجویان در دانشگاه‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دکتر اصغر ایزدی جیران
نژادگرایی فرهنگی: مطالعه‌ی مردم‌نگارانه در دانشگاه‌های تهران
دکتر رضا مهدی
کیفیت زندگی دانشگاهی دانشجویان، واقعیت مسئله‌ساز

نشانی: تهران، خیابان پاسداران، خیابان شهید مؤمن‌نژاد (گلستان یکم)، پلاک ۱۲۴، مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تالار فارابی

WWW.ISCS.AC.IR ■ INFO@ISCS.AC.IR

لینک جلسه مجازی b2n.ir/iscs

ترتیب مطالب

سخنرانی افتتاحیه

پنل ۱: شناخت عرصه مسایل اجتماعی دانشگاهیان

پنل ۲: مسئولیت دانشگاه در قبال پیشگیری و مقابله با مسایل اجتماعی

پنل ۳: توصیف و تبیین وضعیت مسایل اجتماعی در محیط دانشگاه

پنل ۴: مناسبات دانشگاهی و نقش آن در تداوم مسایل اجتماعی

پنل ۵: نقش عناصر دانشگاهی در شکل گیری و یا گسترش مسایل اجتماعی

پنل ۶: بررسی تجارب موفق در پیشگیری و مقابله با مسایل اجتماعی در محیط دانشگاه

دکتر رضا غلامی

دانشگاه و آسیب های اجتماعی درون زا و برون زا

رئیس موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری

gholami@iscs.ac.ir

در این ارائه، ابتدا از باب مقدمه، درباره ماهیت آسیب اجتماعی و نظریه‌هایی که شکل‌گیری آسیب در جامعه را با رویکردهای گوناگون تبیین کرده‌اند صحبت خواهد شد، سپس ضمن توضیح کلان نسبت آسیب اجتماعی با دانشگاه، آسیب‌های اجتماعی در محیط دانشجویی بر اساس نتایج خام تحقیقات میدانی انجام شده در ۵ سال اخیر، از دو زاویه درون‌زا و برون‌زا برشمرده شده و ارتباط معنادار آسیب‌ها با هم مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در پایان، با نگاه راهبردی پیشنهاداتی عمده در زمینه پیشگیری و مقابله با آسیب‌های اجتماعی در محیط دانشجویی به نظام آموزش عالی ارائه خواهد گردید.

واژگان کلیدی

آسیب اجتماعی، دانشگاه، محیط دانشجویی، پیشگیری از آسیب‌ها، مقابله با آسیب‌ها، نظام آموزش عالی

پنل ۱: شناخت عرصه مسایل اجتماعی دانشگاهیان

-زمینه های آسیب پذیری دانشگاه ایرانی، دکتر غلامرضا ذاکر صالحی

-تحلیل جامعه شناختی سلامت اجتماعی دانشجویان ، دکتر محمد حسن شربتیان

-بایسته های مدیریت کلان آسیب های اجتماعی، دکتر تقی رستم وندی

زمینه های آسیب پذیری دانشگاه ایرانی

دکتر غلامرضا ذاکر صالحی

استاد مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی

zakersalehi@irphe.ir

واژه آسیب پذیری (Vulnerability) به معنای «به سرعت مزیت خود را از دست دادن و در معرض خطر قرار گرفتن» است. در دنیای فناوری اطلاعات، آسیب پذیری به معنی وجود نقاط ضعف در سیستم‌ها، شبکه‌ها، نرم افزارها و دستگاه‌های الکترونیکی است. در علم پزشکی نیز Pathology مطالعه بیماری و فهم اختلالات سلولی و مولکولی است که باعث ایجاد بیماری‌ها می‌شوند.

این دو مفهوم کم‌کم وارد ادبیات علوم اجتماعی نیز شده‌اند. نگارنده ترجیح می‌دهد به دلیل مشکلات تئوریک و روش‌شناسی که تعمیم این واژه‌ها به دنبال دارد از واژگان «مسأله» یا «مسائل» استفاده کند. به شرط آنکه تمایز آن را با معضله و شبه مسأله بازشناسی کنیم. مسأله همزمان هم واجد عینیت است هم در بین طیف وسیعی از صاحب‌نظران باید ذهنیتی درباره آن شکل گرفته باشد. در مورد دانشگاه ایرانی، ما به تعبیر آلتوسری آن «وحدتی نظام یافته از مسایل و مشکلات» داریم که با هم ارتباط دارند و هم اکنون در حال پیچیده شدن و مژمن شدن هستند. برای درمان آنها نیز به جای کلینیک نیازمند پلی کلینیک (Polyclinic) هستیم. در مورد ایران هم اکنون از کمبودها و آسیب‌های متعددی صحبت می‌شود مانند: ضعف در شرایط محیطی و اجتماعی آموزش عالی، ناپایداری اقتصادی و سیاستی، ضعف سرمایه‌گذاری مالی، پربار شدن نقش و گاهی تعارض نقش‌های دانشگاه، ضعف اثربخشی اقتصادی و کم توجهی به تغییرات بازار کار، ضعف دلبستگی به کیفیت، فریبی و کمی‌گرایی و ...

به نظر نگارنده اصلی‌ترین زمینه‌های آسیب‌پذیری دانشگاه در ایران عبارت است از: نخست فهم ناقص از ایده دانشگاه و اهداف و کارکردهای آن که بازاندیشی حداقلی و دیرفهمی و نداشتن پرسش بنیادین از خود را به ارث نهاده است - دوم - ضعف‌های ساختاری و رفتاری در حکمرانی بیرونی و درونی دانشگاه.

واژگان کلیدی

آسیب‌پذیری دانشگاه، ایده دانشگاه، مسأله‌مندی، آموزش عالی

تحلیل جامعه شناختی سلامت اجتماعی دانشجویان (با رویکرد راهبرد محور)

دکتر محمد حسن شربتیان

دانش آموخته دکتری جامعه شناسی (مسائل اجتماعی ایران)، دبیر آموزش و پرورش و مدرس دانشگاه فرهنگیان

sharbatian@pnu.ac.ir

سلامت اجتماعی به مثابه بعد اجتماعی در کنار دو بعد جسمانی و روانی سلامت و همچنین متغیری اصلی برای بهره مندی گروه های اجتماعی در یک جامعه سالم، به مثابه برخوردار بودن از شرایط بهتر زیستن، می تواند نقش عنصر کاتالیزور را در توسعه پایدار جامعه ایفاء نماید. به عبارت دیگر این پدیده جمعی شیوه سازگاری آدمی با دنیای اجتماعی تعریف می شود. طبق تحقیقات انجام یافته، انسان ها و گروه های اجتماعی که سلامت اجتماعی بالاتری دارند با نشاط تر و رضایتمندانه تر زندگی می کنند؛ و تلاش می کنند که این عنصر روحیه بخش را در ساختار زندگی روزمره حفظ نمایند. با توجه به ضرورت سلامتی در بین اعضای جامعه، تمام اقشار مختلف جامعه با مسائل خاصی روبه رو هستند و گاهی عوامل مخاطره آمیز دنیای مدرن، آن ها را تهدید می کند، همین امر باعث شده که به این نکته اشاره نمائیم که سلامت اجتماعی دانشجویان به عنوان یکی از پرنفوذترین گروه های اجتماعی می تواند سهم موثری در توسعه پایدار جامعه داشته باشد، و امروزه به مقوله ای حساس در ساختار جامعه دانشگاهی ما به واسطه پیامدهایی که به وجود آورده است، به موضوعی مهم تبدیل شده است. نوشتار حاضر با هدف ارائه راهبردهای ارتقای سلامت اجتماعی دانشجویان و با استفاده از روش مرور سیستماتیک و بررسی پژوهش ها و مقالات مرتبط داخلی و خارجی در حوزه سلامت اجتماعی دانشجویان که در بازه ده ساله اخیر منتشر شده اند، مورد توجه قرار گرفته است. نتایج حاصل از این رویه، منجر به این شده که مولفه های «تعلق خاطر، هویت، مشارکت های اجتماعی و داوطلبانه، ارتقای ظرفیت های فردی، توان مدیریت محیط و...» از این پژوهش ها منتج گردد. از این رو، راهبردهای مقتضی ارائه شده است عبارتند از لزوم بازنگری های جدی در زمینه تسهیل مشارکت های اجتماعی دانشجویان، افزایش خدمات مراقبتی و مشاوره ای، ایجاد چتر حمایتی، زمینه سازی و تسهیل کارآفرینی، اهتمام به فعالیت های خلاقانه دانشجویی و بستر سازی جهت ارتباط با بازار کار، لزوم گسترش عرصه عمومی بدور از استرس در دانشگاه ها، اهتمام به آموزش های غیر رسمی در اشکال گوناگون در حوزه های سبک زندگی، مهارت های زندگی، آموزش حقوق شهروندی، یافتن معنا در زندگی، ارتقای عزت نفس، افزایش سرمایه اجتماعی، اعتماد و افزایش انسجام اجتماعی در بین دانشجویان که از طریق تسهیل سازی مشارکتی و شبکه سازی باید در دانشگاه ها بستر سازی گردد. همچنین ایجاد دانش بین رشته ای در حوزه تحصیلات تکمیلی با محوریت مباحث بهتر زیستن و تخصیص واحدهای درسی مرتبط با آن در جهت رشد و بالندگی مفاهیم مثبت نگر در حوزه علوم انسانی و اجتماعی پیشنهاد می گردد.

واژگان کلیدی

سلامت اجتماعی، راهبردهای ارتقاء سیاست اجتماعی، مرور سیستماتیک، دانشجویان.

بایسته های مدیریت کلان آسیب های اجتماعی

دکتر تقی رستم وندی

دکترای علوم سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس

Ta.rostamvandi@gmail.com

در فرایند مدیریت کلان آسیب های اجتماعی ، سه مرحله سیاست گذاری ، برنامه ریزی و اجرا ، قابل شناسایی است. ضرورت دارد به این سه مرحله ، مرتبه مقدماتی با نام نظریه یا مکتب فکری نیز اضافه گردد چرا که هرگونه بین سیاست ، متکی و مستند به نظریه مجموعه ای از نظریات تبیین گر خواهد بود . بدین ترتیب تردیدی نیست که در مسیر سیاست گذاری ، بیش از هرچیز نیازمند مجموعه ای از اصول و مبانی ، قواعد و گزاره های روشنگر در خصوص هستی شناسی و انسان شناسی هستیم .

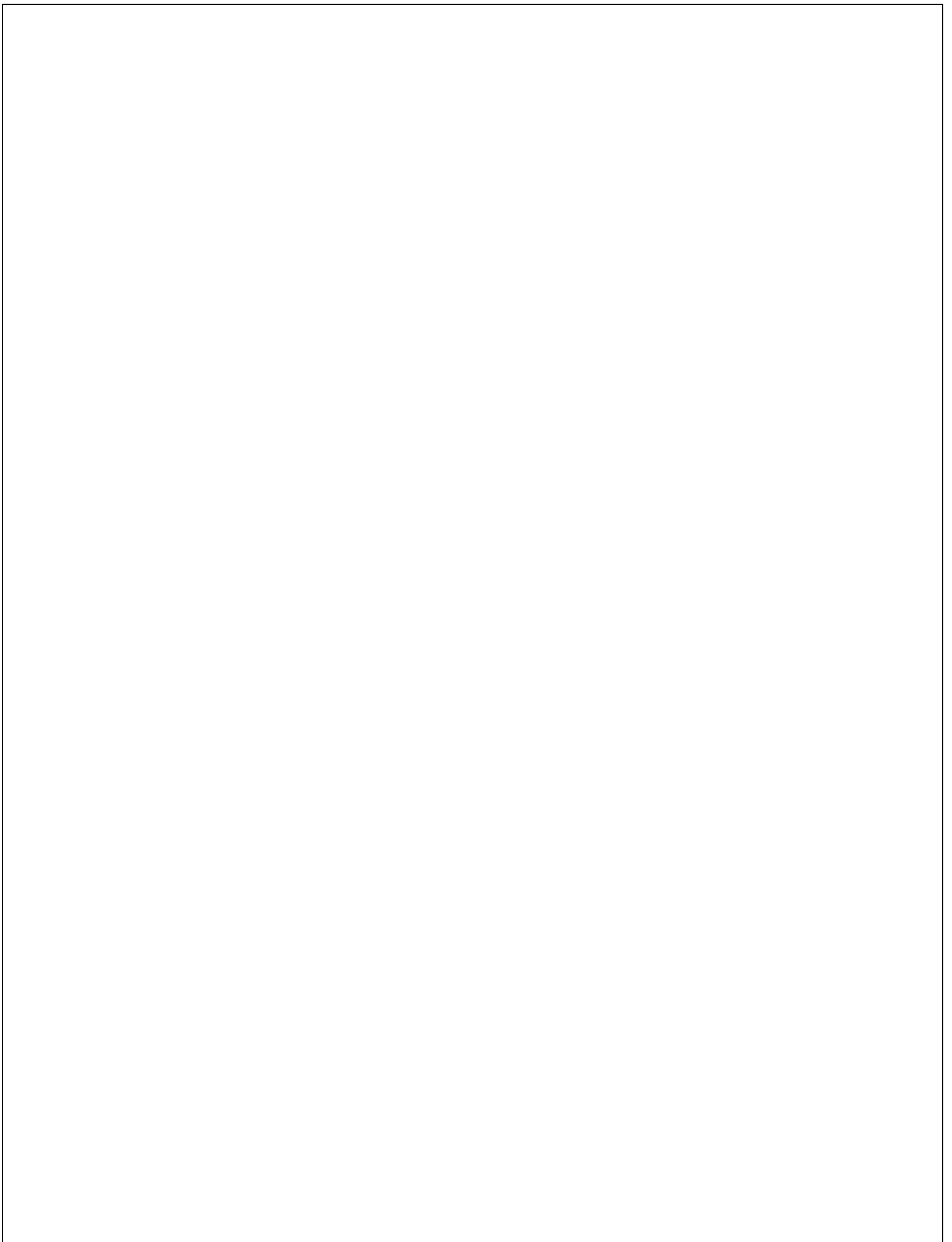
چه به صورت پیشینی و نظری بیندیشیم و چه به صورت سیستمی و با نگاه به تجربیات عملی موجود در خصوص مدیریت کلان آسیب های اجتماعی ، به موضوع توجه کنیم ناگزیریم که پنج بایسته اصلی را شامل : سیاستها ، برنامه ها ، مدیریت ، سرمایه و نیروی انسانی ، مد نظر قرار دهیم.

ذیل هر یک از موضوعات موضوعات پنجگانه موارد جزئی تری وجود دارد که در مجموع بایسته های مدیریت کلان آسیب های اجتماعی را به شرح زیر شکل می بخشد :

- ۱- جامعیت و فراگیری : هرگونه سیاست و برنامه ریزی می باید در چارچوب جامع و فراگیر طراحی و اجرا شود . آسیب های اجتماعی مجموعه ای به هم پیوسته و نظام مند به شمار می رود .
- ۲- تداوم و استمرار دو. برنامه های اصلاحی می باید مداوم و مستمر باشد گسست های مدیریت و اجرایی و ان در بر اجرای برنامه های بزرگترین آسیب در مدیریت به شمار می رود
- ۳- پیشگیرانه بودن: قرار دادن گرانیگاه اقدامات در ایستگاه پیشگیری
- ۴- دارای منابع حمایتی پایدار : پیش بینی اعتبارات تضمین شده در بودجه های سنواتی
- ۵- وجود نیروهای متخصص و ماهر : بهره گیری از مشاوران ، مددکاران ، روانشناسان
- ۶- مشارکت مردم و نهادهای مدنی : بهره گیری از ظرفیت بیکران سازمان های مردم نهاد
- ۷- تشکیل ائتلاف های مدیریتی بین دستگاه های حاکمیتی : تشکیل ائتلاف های اقدام مشترک
- ۸- سرعت عمل و نبود کندی و تأخیر : اقدام به موقع برای جلوگیری از آسیب های مستمر و جبران ناپذیر
- ۹- منظومه ای و زنجیره ای بودن اقدامات: اتصال اقدامات حوزه خانواده ، مدرسه ، محله و محل کار
- ۱۰- رشد محور بودن: اجرای برنامه ها از سنین کودکی و در محیط خانواده و پیش از دبستان

واژگان کلیدی

مدیریت آسیب ها، سیاستها ، برنامه ها ، مدیریت ، سرمایه و نیروی انسانی



پنل ۲: مسؤلیت دانشگاه در قبال پیشگیری و مقابله با مسایل اجتماعی

-ارزیابی اثربخشی راهبردهای رشد و توسعه آموزش عالی ایران، بر اساس شاخص های مهاجرتی، دکتر بهرام صلواتی

-ابعاد اجتماعی زندگی دانشگاه: تاملی در سیاست ها، دکتر مقصود فراستخواه

- فراتحلیلی بر نسبت جنسیت و سواد زیست محیطی در مطالعات موجود، دکتر جبار رحمانی

-مناسبات دانشگاه عاری از دخانیات در ایران، دکتر اباذر اشتری

- دانشگاه و سلامت روان دانشجویان، دکتر آمنه صدیقیان

ارزیابی اثربخشی راهبردهای رشد و توسعه آموزش عالی ایران، بر اساس شاخص های مهاجرتی

دکتر بهرام صلواتی سرچشمه

مدیر رصدخانه مهاجرت ایران

b.salavati@imobs.ir

آموزش عالی عمدتاً به عنوان منبع اصلی آموزش و توسعه سرمایه انسانی در کشورها شناخته می شود و گسترش سریع آموزش عالی در طول دهه های اخیر اثرات دگرگون کننده ای در جوامع مختلف در سراسر جهان داشته است. بنابراین گسترش آموزش عالی پایه ای برای جنبش های بزرگ جهانی و تغییرات سیاسی-اجتماعی در جوامع از جمله عقلانی شدن جامعه و دولت، جهت گیری فراملی و جهان شمول آموزش عالی در مسیر شکل گیری چارچوب ها و هویت های فرهنگی مشترک برای نخبگان کشور در مسیر همبستگی های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ابعاد مختلف جهانی شدن شده است. بنابراین پروژه آموزش عالی در جهان در چند دهه گذشته با سازماندهی مجدد جوامع در مسیر ارزش افزائی اقتصادی و اجتماعی که از آن «جامعه دانش» یاد می شود گام برداشته است. با این حال به نظر می رسد پروژه رشد و توسعه آموزش عالی در ایران در ابعاد کمی و کیفی آن در طول چند دهه گذشته در مسیر ارزش افزائی اقتصادی-اجتماعی چندان موفق نبوده و نه تنها در مسیر حل مسائل و پیشرفت اجتماعی ایران گام برداشته بلکه خود به یکی از چالشهای اجتماعی کشور مبدل گشته است. تضاد گفتمانی میان حاکمیت و بدنه اصلی دانشگاه و ناهمخوانی چارچوب های فرهنگی و زیست اجتماعی حاکم بر فضای دانشگاه با فرهنگ و زیست مطلوب حاکمیت و تلاش برای اسلامی ساختن محتوای آموزشی و کادر آموزشی و پژوهشی از جمله نشانه های وجود این چالش جدی است. از دستاوردهای نامطلوب تداوم این چالش در نظام آموزش عالی میتوان به بروز بحران های سیاسی و اجتماعی متعدد در فضای دانشگاه، ناتوانی دانشگاه در حل مسائل اقتصادی و اجتماعی واقعی کشور، خیل عظیم فارغ التحصیلان دانشگاهی بیکار، بالا رفتن نرخ مهاجرت در میان جامعه دانشگاهی و خروج سرمایه های دانشی کشور اشاره کرد. مهاجرت و از دست رفتن نخبگان و سرمایه های انسانی به عنوان مهمترین برون داد نظام آموزش عالی را می توان به نوعی شکست پروژه توسعه آموزش عالی و پیشرفت اجتماعی در کشور بر شمرد. در چنین شرایطی ارزیابی واقع بینانه از ریشه های ناکامی آموزش عالی در توسعه و پیشرفت اجتماعی کشور و تبیین عمق و گستردگی آثار نامطلوب کوتاه مدت و بلند مدت آن از جمله مهاجرت دانشگاهیان و اتخاذ راهبردهای اثربخش از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. بر همین اساس این مقاله ضمن تبیین اثرات اجتماعی شکست پروژه توسعه آموزش عالی در ایران بخصوص از منظر شاخص های خروج و عدم بازگشت سرمایه های انسانی ایران به ارزیابی میزان اثربخشی راهبردهای کلان حوزه آموزش عالی کشور در چند سال اخیر از جمله رویکرد بین المللی سازی آموزش عالی می پردازد.

واژگان کلیدی

توسعه آموزش عالی، پیشرفت اجتماعی، مهاجرت، بین المللی سازی.

ابعاد اجتماعی زندگی دانشگاه؛ تأملی در سیاستها

دکتر مقصود فراستخواه

استاد برنامه ریزی توسعه آموزش عالی، مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی

m_farasatkhah@yahoo.com

دانشگاه نهادی علمی با سرشت اجتماعی است. دانشگاه‌های پیشرو در جهان، در دامان شهر زاده شده‌اند و اعتبار خود را از رهگذر پاسخگویی اجتماعی به دست آورده‌اند. انواع تقاضاهای جامعه برای زیستن در روشنی دانش و حل مسائل خود با توسل به علم از طریق دانشگاه‌های معتبر و موفق دنیا پی‌جویی و رفع و رجوع شده است. زندگی اجتماعی دانشگاه هم از طریق ابعاد مختلف جنب و جوش‌های دانشجویی‌اش و هم از طریق جلب اعتماد امنای جامعه در تأمین منابع و انواع سیاستگذاری‌های اداری، مالی، سازمانی و قانونی دانشگاه بسط یافته است. اعضای هیأت علمی به مثابه گروه‌های مرجع اجتماعی محل رجوع قرار گرفته است. برنامه درسی دانشگاه در حقیقت پروتکلی آموزشی در سطوح عالی‌ه برای رفع اقسام نیازهای اقتصادی و فرهنگی و جز آن بوده است و تربیت سرمایه‌های فکری و تخصصی جامعه را عهده دار شده است. آموزش و پژوهش و خدمات دانشی دانشگاه، تکیه‌گاه مهم توسعه اجتماع بوده است. از سوی دیگر نقد و روشنگری دانشگاه به کار مصونیت‌های جامعه در برابر انواع مخاطرات از قبیل فساد، ستم، استثمار و تخریب زیست بوم و دیگر تباهی‌ها برآمده است. آیا دانشگاه ایرانی نیز توانسته است دانشگاهی اجتماعی در تراز جهانی آن باشد؟ این مطالعه به تأمل در سیاست‌هایی می‌پردازد که پس از انقلاب اسلامی بهمن ۱۳۵۷ بر چند و چون ابعاد اجتماعی زندگی و عملکرد دانشگاه ایرانی تأثیر گذاشته است.

واژگان کلیدی

دانشگاه، زندگی اجتماعی، سیاست‌های علمی و آموزش عالی، مدیریت دانشگاه

فرا تحلیلی بر نسبت جنسیت و سواد محیط زیستی در مطالعات موجود

دکتر جبار رحمانی

دانشیار موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی

J_rahmani59@yahoo.com

بحران های محیط زیستی در جهان امروز به یکی از کانونی های کلیدی در سیاستگذاری ها و برنامه ریزی های آموزشی و فرهنگی بدل شده اند. آنچه که برای دقت هرچه بیشتر این سیاستگذاری ها لازم است، شناخت عمیق تر از نقش متغیرهای موثر و تعیین کننده بر کنش های محیط زیستی است. یکی از عرصه های سیاستگذاری، سواد محیط زیستی است. سواد محیط زیستی تعاریف متعددی دارد ولی در کل می توان گفت شامل مجموعه ای از دانش ها، گرایش ها، مهارت ها و رفتارهای معطوف به محیط زیست می شود که از سطوح آگاهی تا اقدام عملی متعهدانه به محیط زیست را هم شامل میشود.

یکی از این متغیرهای کلیدی اثرگذار بر این مقوله، جنسیت است، اینکه آیا زنانگی و مردانگی بر ابعاد مختلف سواد محیط زیستی موثر است؟ عموماً در پارادایم اکوفمینیسم، این مدعا هست که زنان به دلایل مختلف، آگاهی ها و نگرش ها و رفتارها و دغدغه های محیط زیستی بیشتری دارند. از این رو این فرض ضمنی شکل گرفته است که مولفه های سواد محیط زیستی در زنان بیشتر از مردان است. اما آیا گزارش های پژوهشی موجود در ایران این مدعای پیشینی را تایید می کنند؟

در این مقاله تلاش کرده ام به فرا تحلیلی داده ها و تحلیل های مربوط به نسبت جنسیت و سواد محیط زیستی در پژوهش های ایرانی بپردازیم. مطالعه اولیه منابع موجود بیانگر آنست که علی رغم تصور اولیه از پیشگامی زنان در سواد محیط زیستی در مقایسه با مردان، همه منابع این فرضیه را تایید نمی کنند. در منابع موجود می توان دو دسته مهم از پاسخ ها را دید: دسته اول که همسو با پارادایم اکوفمینیسم، به این نتیجه رسیده اند که زنان در سواد محیط زیستی یا در برخی مولفه های آن نمره بیشتری نسبت به مردان کسب کرده اند و دسته دوم نیز مطالعاتی هستند که مدعی عدم تفاوت سواد محیط زیستی و مولفه های آن هستند. البته مطالعاتی که نشان بدهند مردان سواد محیط زیستی بیشتری دارند، عملاً وجود ندارد و صرفاً در برخی مطالعات در مولفه های تشکیل دهنده سواد محیط زیستی، مردان میزان بیشتری را در برخی از مولفه ها بطور موردی نشان داده اند، اما اگر از این تفاوت در مولفه های فرعی بگذریم، مطالعات نتایجی دال بر بیشتر بودن سواد محیط زیستی مردان نسبت به زنان نداشته اند.

نکته اصلی آنست که مطالعات صرفاً در کلیت باقی مانده اند و وارد جزئیات دقیقتری از کیفیت و نوع آگاهی، مهارتها و مداخله ها و تعلقات و کنشگری ها نشده اند. به عبارت دیگر عرصه اصلی مقایسه و بررسی جنسیت و سواد محیط زیستی، در کمیت و مقدارهای کمی مولفه هاست، نه در کیفیت و صورت بندی های زمینه مند آنها در هر کدام از جنسیت ها. مطالعات بسیار محدودی سعی کرده اند نه در کلیت کنشگری محیط زیستی بلکه دقیقاً در نوع و سطح کنشگری به تفاوت جنسیت بپردازند.

از این رو باید گفت همچنان با غلبه پارادایم اکو فمینیسم آن هم در روایتی کمی گرایانه در مطالعات سواد محیط زیستی و نسبتش با جنسیت مواجه هستیم، هرچند در موارد متعددی نتایج حاصله مغایر با این پارادایم هستند. از سوی دیگر هنوز مطالعات عمیق برای تعیین نحوه صورت بندی جزیی تر سواد محیط زیستی و مولفه های آن در زنان و مردان انجام نشده است. نکته کلیدی تر آنست که اصولاً مطالعات سواد محیط زیستی صرف بر سوبه های ایجابی و مثبت مواجهه انسان ایرانی و محیط زیست تاکید دارند و ما هیچگونه مطالعه ای دال بر سنجش و ارزیابی و تحلیل بی سواد یا بدسواد محیط زیستی را انجام نداده ایم به عبارت دیگر همیشه این موضوع سنجیده شده که زنان و مردان چه مولفه ای در حمایت و حفاظت از محیط زیست دارند، ولی هیچگاه این سنجیده نشده که این دو گروه، چه آگاهی ها و مهارت‌ها و تعلقات و کنشهایی بر علیه محیط زیست و یا مخرب به حال محیط زیست انجام می دهند. به همین سبب ما وجوه سلبی یا منفی بدسواد محیط زیستی (گونه ای از سواد که در راستای ضربه زدن به محیط زیست یا ناپایدار سازی هرچه بیشتر محیط زیست باشد) و نقش جنسیت را در آن بررسی نکرده ایم. بر این اساس برای فهم بهتر سواد محیط زیستی و صورت بندی های اجتماعی و فرهنگی آن در جامعه ایرانی، نیازمند مطالعات عمیق تر که علاوه بر سنجش مقدار به بررسی و ارزیابی کیفیت و وجوه سلبی و ایجابی سواد محیط زیستی و مولفه هایی در نسبت با متغیرهایی مانند سن و جنسیت و ... هستیم.

این موضوع می تواند در برنامه ریزی های آموزشی و تولید محتوای آموزشی در نظام دانشگاهی و آموزش و پرورش ایرانی بسیار مهم باشد. نگاه پیشینی یکدست انگارانه از تاثیر متغیرهای جنسیتی و عدم آگاهی از عوامل مخل بر عملکردهای مثبت همراستا با سواد محیط زیستی سبب شده در مجموع نهادهای آموزشی ما (مدرسه و دانشگاه) تاثیر چندانی بر ارتقای سواد محیط زیستی و کنش های پایداری محور در کنشگران ایرانی نداشته باشند. به همین سبب فهم عمیق نقش این متغیرهای زمینه ای گام مهمی در کاربردی شدن آموزش ها و تولید محتواهای آموزشی و در نهایت، تاثیرگذاری مثبت بر بحران های محیط زیستی ایران است.

واژگان کلیدی

سواد محیط زیستی، جنسیت، فراتحلیل، اکو فمینیسم، ایران

دانشگاه و سلامت روان دانشجو

دکتر آمنه صدیقیان بیدگلی

استادیار موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی

sedighian@iscs.ac.ir

از جمله مسائل مهم در جمعیت دانشجویی، داغ ننگ پیرامون اختلالات سلامت روان است؛ وجود این مشکل منجر به عدم پیگیری درمان و نیز انزوای بیشتر دانشجویان می‌شود و روابط آن‌ها در جامعه دانشگاهی و در اجتماعی کلی را به خطر می‌اندازد. پیامدهای ناگواری از قبیل خشونت، افسردگی، خودکشی، رفتارهای آسیب‌زننده به خود و دیگران و مواردی از این قبیل، نتایج محتمل این مساله اجتماعی هستند. دانشگاه‌های پیشگام در جهان، سازوکارها و الگوهایی برای این موضوع پیش بینی کرده اند.

متغیرهای اصلی در پیشگیری و مواجهه با داغ ننگ اختلالات سلامت روان عبارتند از تقویت پیوند اجتماعی، فناوری اجتماعی، یادگیری اجتماعی و مداخله. رویکرد برساختی و کنش متقابل، راهبرد افراد محور و سطوح سه‌گانه پیشگیری، تاثیرگذاری رسانه‌ای و رصد و پایش سلامت نیز از دیگر متغیرهای تاثیرگذار بودند. قریب به اتفاق این برنامه‌ها، نهایتاً به مداخله در سطح فردی و نه ساختاری توجه دارند. فارغ از انتقاداتی که می‌توان به این نگرش داشت، اما راه‌حل سریع برای کاهش داغ ننگ این بیماری‌ها، تغییر نگرش عامه دانشجویان از یک-سوی (پیشگیری سطح اول) و بهبود نگرش افراد در معرض خطر یا مبتلا به اختلالات روان از سوی دیگر (پیشگیری سطح دوم و سوم) است.

واژگان کلیدی

سلامت روان، داغ ننگ، افسردگی، دانشگاه، پیشگیری

مناسبات دانشگاه عاری از دخانیات در ایران

دکتر اباذر اشتری مهرجردی

استادیار موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی

ashtari@iscs.ac.ir

دانشگاه بعنوان یک موقعیت فرهنگی لزوماً باید محیطی عاری از انواع آسیبهای اجتماعی باشد. مکانی که به نوعی، یکی از مجراهای جامعه پذیری بحساب می آید. کاملاً واضح است هیچ اجتماع انسانی به صرف وجود و تجمع افراد، بدون تنش و آسیب نخواهد بود اما نکته اساسی در کنترل هرچه بیشتر آن و تلاش در ایجاد موانع (خاصه اجتماعی) جهت ورود افراد جدید به میدان انواع آسیب است. در این میان مصرف مواد دخانی یکی از عوامل تهدید کننده سلامت افراد است. به ویژه مصرف سیگار و قلیان یکی از موضوعات حساس و از معضلات بشری در سالهای اخیر و نیز یکی از پیچیده ترین پدیده های انسانی است که محیط دانشگاه را به چالش جدی کشانده است. دخانیات عامل ۲۰ درصد مرگ های قابل پیشگیری در کشورهای توسعه یافته است و به همین دلیل برخی از پژوهشگران معتقدند که مهم ترین معضل بهداشتی است. دانشجویان نیز مانند سایر اقشار جوان از این معضل در امان نیستند. اثرات مصرف دخانیات بر دانشجویان جدی، عمیق و ناتوان کننده است.

بر همین اساس بسیاری از دانشگاه های بزرگ و معتبر جهان در جهت دانشگاه و در ادامه، جهانی عاری از دخانیات گام برداشتند. برنامه جامع دانشگاه های عاری از دخانیات دارای سه بخش مهم است، مرحله اول: حمایت گیری و استقرار، مرحله دوم: توانمند سازی و اجرای برنامه، مرحله سوم: ارزشیابی برنامه. در همین رابطه و از سال ۱۳۹۷ دستورالعمل ۹ ماده ای دانشگاه عاری از دخانیات توسط مقام عالی وزارت به دانشگاهها ابلاغ شده و طبق گزارشهای سازمان دانشجویی در سال ۱۴۰۰ تعداد ۲۵ دانشگاه ادعای اجرای دستورالعمل و پیوستن به جرگه دانشگاه های عاری از دخانیات را داشته اند اما مطالعات جسته و گریخته نشان از افزایش مصرف انواع محصولات دخانی و حتی گل از مقطع زمانی مبدا، تاکنون دارد.

این مقاله به ارزیابی این وضعیت و دلایل عدم دستیابی به اهداف برنامه جامع دانشگاه عاری از دخانیات خواهد پرداخت.

واژگان کلیدی

دانشگاه، دانشجوی، دخانیات، برنامه جامع دانشگاه عاری از دخانیات

پنل ۳: توصیف و تبیین وضعیت مسایل اجتماعی در محیط دانشگاه

- تولید فرهنگی دانشجویان در مقام ساز و کاری برای تجربه‌ی آزادی در دانشگاه، دکتر رضا صمیم

-چالش های هویتی و قومیتی دانشگاهیان ، دکتر ابراهیم حاجیانی

-وضعیت سرمایه اجتماعی دانشجویان در دانشگاه های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دکتر سید هادی مرجائی

-نژادگرایی فرهنگی: مطالعه‌ای مردم‌نگارانه در دانشگاه‌های تهران، دکتر اصغر ایزدی جیران

-کیفیت زندگی دانشگاهی دانشجویان، واقعیت مسئله‌ساز، دکتر رضا مهدی

تولید فرهنگی دانشجویان در مقام ساز و کاری برای تجربه آزادی در دانشگاه

دکتر رضا صمیم

دانشیار مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی

Reza.Samim@iscs.ac.ir

تولید فرهنگ در یک معنا، «خودتحقق‌بخشی» است. انسان‌ها آن هنگام که فرهنگی مشخص را تولید می‌کنند خودشان را در مقام انسانی آزاد محقق می‌کنند. خود محقق‌شده معمولاً خودی است که از دیگران متمایز است. این تمایز خودش را غالباً در نمادهایی متمایزکننده متجلی می‌کند. انسان‌ها با به کارگیری این نمادها که خودشان به وجود آورده‌اند این امکان را پدید می‌آورند تا به عنوان افراد یا گروه‌هایی متمایز به کنش پردازند. جدا شدن از دیگران و کنش‌گری مستقل در مقام فرد یا گروه‌های انسانی خودبسندۀ مقدمه‌ی تجربه‌ی آزادی است. ما آزادیم اگر ناگزیر نباشیم ذیل نمادهای متعین‌کننده‌ی گروه‌های دیگر به کنش پردازیم. پس برای تحقق آزادی تلاش می‌کنیم نمادهای متمایزکننده‌ی خودمان را بسازیم. یعنی فرهنگ خودمان را تولید کنیم. یکی از گروه‌های اجتماعی با اهمیت در میان اقشار جامعه‌ی ایرانی، که همواره این دغدغه را داشته تا به میانجی تولید فرهنگی مشخص آزادی را تجربه کند، دانشجویان هستند. دانشجویان با ورود به دانشگاه در تلاش برای جداسازی از نمادهای همگن‌سازی که پیش از دانشگاه آنها را ذیل خود جمع می‌آورد، به شکلی پیگیرانه و در بسیاری موارد به صورت جمعی به تولید نمادهای متمایزکننده و در نتیجه فرهنگی مشخص اقدام می‌کنند. در این مقاله با مراجعه به نمونه‌هایی نشان خواهیم داد دانشجویان در دانشگاه چگونه تولید نمادهای متمایزکننده و فرهنگی مشخص را در جهت گسترش دایره‌ی امکان تجربه‌ی آزادی به کار می‌گیرند و دقیقاً به همین سبب با مخاطراتی جدی در فضای دانشگاه و در مواجهه با نهادهای قدرت روبرو می‌شوند.

واژگان کلیدی

تولید فرهنگ؛ دانشجویان؛ دانشگاه؛ تجربه آزادی؛ تمایز.

چالش های هویتی و قومیتی دانشگاهیان

دکتر ابراهیم حاجیانی

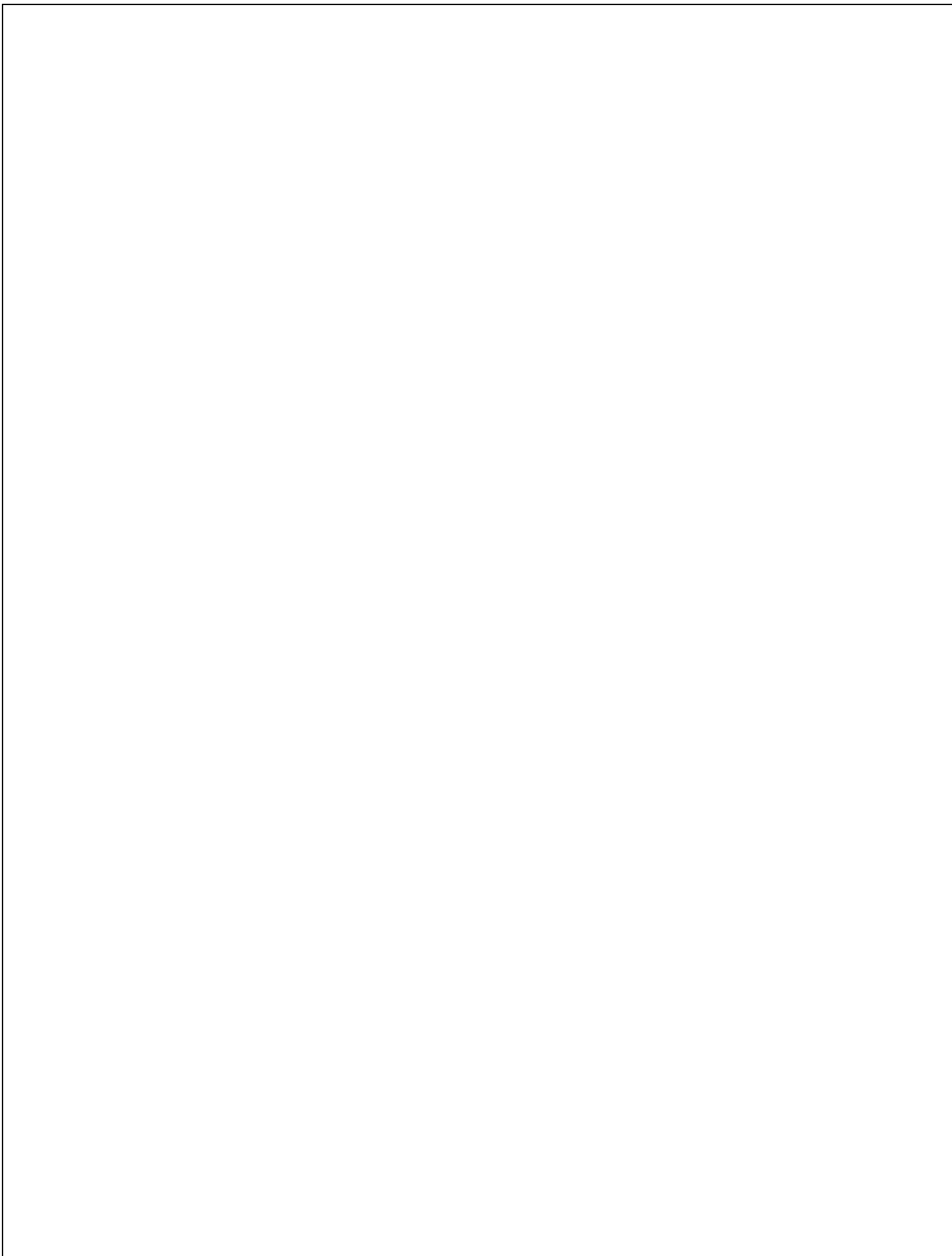
دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه امام حسین (ع)

eb.hajiani@gmail.com

پرسش یا مسئله محوری در این حوزه آن است که مهم‌ترین دغدغه‌ها و نگرانی‌های جاری در زمینه، هویت‌های جمعی جامعه دانشگاهی کشور و به‌طور مشخص دانشجویان کدامند و این دغدغه‌ها در ماه‌های اخیر و تحت تحولات پدید آمده از شهریور ماه ۱۴۰۱ و در پی فوت مرحوم مهسا امینی چه بوده‌اند؟ در واقع سؤال آن است که از منظر کلان و راهبردی، چه برآوردی می‌توان از آخرین وضعیت و تحولات جریان‌های هویتی در میان دانشجویان ایرانی ارائه نمود؟ پاسخ به این پرسش از آن جهت مهم است که تحلیل‌گران و ناظران امور اجتماعی و مسائل دانشگاه در ایران بایستی همواره تلقی و تحلیل روشنی از اوضاع و احوال فرهنگی و هویت جامعه مخاطب خود داشته باشند. پرواضح است که این مسئله‌شناسی بستگی تامی به "مرجع تحلیل" دارد و مرجع تحلیل حاضر مدیریت (رسمی) جامعه دانشگاهی و تا حدودی سیاست‌گذاران است و شوربختانه نوع نگاه تلقی و تحلیل سیاست‌گذار با تلقی مخاطبان (جامعه دانشجویی، آحاد کنشگران و به خصوص فعالان قومی و مذهبی) متفاوت است. برای پاسخ به این دغدغه مهم باید دانست که بنا به شرایط ساختاری و تاریخی و اجتماعی هویت فرهنگی و اجتماعی در ایران ماهیت ترکیبی، آمیخته و چند پایه دارد. به‌سخن دیگر شهروندان و کنشگران ایرانی یک تلقی چند بعدی از خود دارد و همزمان خود را محلی (بومی و دارای علائق و تعلقات منطقه‌ای)، ملی (متعلق به سرزمین و جغرافیایی کنونی کشور ایران با محوریت تاریخ و سرنوشت مشترک و زبان فارسی)، مذهبی و دینی (متعهد به ارزش‌ها و باورهای دینی) و نهایتاً گرایش‌ات مدرن، متجدد و امروزی می‌دانند. و بنا بر تجربه تاریخی خاص خود توانستند نوعی همزیستی، هماهنگی و تعادل میان این عناصر چهارگانه به وجود آورند. حال باید دید تا چه حد این وضعیت هارمونیک و متعادل در جامعه دانشجویان ایرانی به‌طور کلی (و علیرغم تنوعات و تفاوت‌های فراوان دانشگاه‌های کشور) مفهوم و واقعیت دارد یا اینکه تحت تأثیر سیاست‌های هویت‌ساز رسمی نظام تصمیم‌گیری (حوزه‌هایی مانند هیأت‌های توسعه، بومی‌گزینی، پوشش و سبک زندگی...) یا مداخلات و فشارهای بیرونی قدرتهای منطقه‌ای و جهانی یا جهانی شدن و به‌طور مشخص بروز بحران و ناآرامی‌های سیاسی اجتماعی نیمه دوم سال ۱۴۰۱ دچار تغییر و تحول شده است؟ آیا اعتراضات فراگیر نوجوانان و جوانان نسبت به سیاست‌های فرهنگی نظام رسمی منجر به بروز چالش‌های اساسی در این زمینه شده و منجر به تقویت گرایش‌ات واگرایانه میان دانشجویان با همدیگر و دانشجویان با اجتماع ملی و هویت ملی شده است؟ آیا امر ملی در جریان و در وضعیت کنونی دچار اختلال شده است و احساس همگرایی یکپارچگی و روحی و ذهنی، عاطفی میان ایرانیان را تضعیف نموده است. در پاسخ باید گفت علیرغم تصاعد فشارهای بیرونی، افزایش نارضایتی‌ها، تداوم سیاست‌های نادرست اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (مانند مرکز گرایی، تدابیر نابرابری ساز و ...)، شاهد گشودگی بیشتر دانشجویان و مردم ایران در قبال یکدیگر و شکل‌گیری یک جامعه قوی‌تر و منسجم‌تر میان اقوام و گروه‌های مختلف فرهنگی قومی و مذهبی هستیم. به تعبیر دیگر تحت تأثیر فشارهای سیاسی اقتصادی و نارضایتی‌های ناشی از آن، سرعت و عمق همگرایی‌های فرهنگی و هویتی میان ایرانیان به‌طور فزاینده‌ای افزایش یافته و همبستگی میان پاره هویت‌های قومی و مذهبی تشدید شده است و عنصر ملی مهم‌تر و پر اولویت تر شده است. بحران اخیر موجب شد فضای تعامل و گفتگوی بین نسلی، بین قومی و بین مذهبی تقویت گردد و شاهد یک جامعه متحدتر هستیم. حال مسئله بعدی آن است که دستاورد یا تأثیر مستقیم و درازمدت چنین وضعیتی برای نظم اجتماعی، ثبات سیاسی و توسعه ملی چه خواهد بود؟

واژگان کلیدی

دانشگاه، چالش های هویتی، چالش های قومیتی، هویت‌های جمعی



وضعیت سرمایه اجتماعی دانشجویان در دانشگاه های وزارت علوم

دکتر سید هادی مرجائی

استادیار موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی

hdmarjaie@gmail.com

سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از مهمترین انواع سرمایه های انسانی و همچنین در زمره اصلی ترین مؤلفه های پویای نظام اجتماعی و فرهنگی جوامع به حساب می آید و فضای ساختاری دانشگاه می تواند منتقل کننده ایده ها، ارزش ها، هنجارها و اعتماد اجتماعی با ضمانت های اجرایی مؤثر به بازیگران اصلی حوزه یا میدان دانش علمی از جمله دانشجویان و اساتید باشد، از اینرو، نظام آموزش عالی به عنوان یکی از کانون های اصلی ایجاد، تولید و ظرفیت سازی سرمایه اجتماعی در سطح جامعه در ارتباط با جوانان کشور محسوب می شود.

این پژوهش با اتکاء به روش پیمایش و در قالب مطالعات طولی (Longitudinal Study) به اندازه گیری وضعیت سرمایه اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه های کشور و رصد وضعیت موجود با توجه به تحقیق معیار (Baseline) مرجائی در سال های ۱۳۸۳ و ۱۳۹۵ و سایر تحقیقات مشابه در این چند سال گذشته به تحلیل روند تغییرات سرمایه اجتماعی در دو دهه گذشته پرداخته است. در مطالعه سال ۱۳۹۵ دیدگاه ۳۰۱۲ نفر از دانشجویان در ۱۱ دانشگاه انتخاب شده وابسته به وزارت علوم ۱۳۸۳ مورد پیمایش قرار گرفته است و با داده های سال ۱۳۸۳ مقایسه شده است.

میانگین کل میانگین های استاندارد شده ۱۸ مولفه سرمایه اجتماعی نشان می دهد که وضعیت سرمایه اجتماعی در بین دانشجویان مطالعه شده در سال ۱۳۹۵، ۴۲،۵ درصد می باشد. نتایج مقایسه میانگین کل میانگین های استاندارد شده ۴۵ گویه مشترک مربوط به سرمایه اجتماعی در ۳ دانشگاه مورد مقایسه (دانشگاه تهران، امیرکبیر و الزهرا) و مقایسه تطبیقی بین مطالعات ۱۳۸۳ و ۱۳۹۵ نشان می دهد که وضعیت سرمایه اجتماعی در بین دانشجویان مطالعه شده در سال ۱۳۸۳، ۴۱،۱۷ درصد و در سال ۱۳۹۵، ۳۴،۳۵ شده است که نشانگر کاهش نسبتاً چشم گیر سرمایه اجتماعی دهه ۸۰ نسبت به دهه ۹۰ (حدود ۷ درصد افت) در بین دانشجویان در ۳ دانشگاه مورد مطالعه است.

یکی از مهمترین راهبردهای ارتقای سرمایه اجتماعی دانشجویان اصلاح سیاست ها و چارچوب های جامعه پذیری دانشگاهی است. ساختار اصلاح شده جامعه پذیری تأکید بر بصیرت فردی را ترفیع می بخشد و حمایت می کند. از خلال تأثیرات (در زمینه) بصیرت فردی است که فعالیت های فرهنگی و اجتماعی نیز رشد و توسعه می یابد. اصولاً دانشجویان برای رشد و توسعه این بصیرت فردی، اجتماعی می شوند. جامعه پذیری باید هنجارها و ارزشهای فعالیت جمعی و مدنی را بدون توقع اینکه یک دانشجو آن ارزشها و هنجارها را برای خود بپذیرد، القا کند. در جامعه پذیری مبتنی بر بصیرت فردی، میان رشد آگاهی به جای رشد و توسعه پذیرش شخصی هنجارها و ارزشها تفاوت قایل می شود. این نوع جامعه پذیری تشخیص می دهد که شخص می تواند به محتوا ارجحیت دهد و هوش و ذکاوت خود را برای فعالیت در حیطه استانداردها، ارزشها و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی، بدون اجبار در درونی سازی، و یا پذیرش آن استانداردها، ارزشها و هنجارها به عنوان اصول اساسی خود، رشد و توسعه دهد. دانشجویان که به این شیوه اجتماعی شده اند، نحوه بکارگیری ارزش ها و هنجارهایی که منجر به ارتقای سرمایه فرهنگی و اجتماعی خود می شوند را فرا می گیرند.

از دیگر راهبردهای مهم برای ارتقا وضعیت سرمایه اجتماعی و فرهنگی، سیاست احیاء شبکه های اجتماعی و فرهنگی و تقویت حلقه های مشترک کاری بین کنشگران دانشگاه اعم از دانشجویان، اساتید، مدیران و فعالین فرهنگی و اجتماعی و عرصه عمومی در درون و برون نظام دانشگاهی است. نتایج نشان می دهد که ضعف در همکاری های گروهی و تعاملات بین استادان، ضعف در پیوندها و همبستگی اجتماعی لازم برای شکل گیری اجتماعات علمی، مشارکت ضعیف اساتید دپارتمان در اجتماعات علمی، تعاملات ضعیف بین استادان و دانشجویان در درون فضای محیط علمی دپارتمان و بی قوارگی و شکل گیری ضعیف اجتماع علمی از جمله موانع نهادی موثر بر جامعه پذیری دانشگاهی است. پیش از این در تحقیقات ابراهیمی (۱۳۷۲) و خسرو خاور (۱۳۸۴)، فاضلی (۱۳۸۲) و محسنی تبریزی، قاضی طباطبایی و مرجائی (۱۳۹۰) و قانعی راد (۱۳۸۵) نیز بر وجود این چالش ها در درون نظام دانشگاهی کشور تاکید شده است.

واژگان کلیدی

سرمایه اجتماعی، جامعه پذیری دانشگاهی، شبکه های اجتماعی، دانشجویان، دانشگاه های ایران، مطالعه طولی

نژادگرایی فرهنگی: مطالعه‌ای مردم‌نگارانه در دانشگاه‌های تهران

دکتر اصغر ایزدی جیران

دانشیار دانشگاه تبریز

۱. a.izadijiran@tabrizu.ac.ir

بحث در باب شکل‌های جدید، پیچیده و چندگانه‌ی نژادگرایی، با جدایی از گفتمان‌های بیولوژیک‌تر، همگون و تک‌خطی، در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در ادبیات مطالعات قومی و نژادی ظهور کرد. نژادگرایی‌های جدید یا معاصر حول حساسیت بر حضور دیگری متفاوت در اجتماع بزرگتر ساخته می‌شوند. این اشکال جدید که به آنها نژادگرایی فرهنگی، پست‌مدرن، یا تمایزگرا هم گفته می‌شود، به پیشداوری‌ها و تبعیض مبتنی بر تفاوت‌های فرهنگی اطلاق می‌گردند. در اینجا، نژاد به مثابه‌ی فرهنگ رمزگذاری می‌شود و کمک می‌کند به ساخته شدن تصویرهایی از اقلیت‌های نژادی به‌عنوان بیرونی‌یان و به‌عنوان تهدیدی برای انسجام اجتماعی. من مفهوم نژادگرایی فرهنگی را در بافت حیات دانشگاهی و به‌طور ویژه با تمرکز بر تجارب زیسته در روابط بین اساتید و دانشجویان و روابط بین اساتید ارشد و اساتید جوان‌تر در برخی از دانشگاه‌های تهران به کار می‌بندم تا تجربه‌ی تحقیق شدن بر اساس مقوله‌بندی افراد به گروه‌های مختلف و سپس اعمال تبعیض و ستم علیه قربانیان را آشکار سازم. تهران از این جهت سایت میدانی مناسبی برای مردم‌نگاری نژادگرایی است که در آن سبک‌های متفاوت زندگی با پس‌زمینه‌های قومی و طبقاتی متنوعی وجود دارند. دانشگاه‌های تهران درحالی‌که از دور تصویری آرمانی از قطب‌های علمی کشور به نمایش می‌گذارند، اما تجربه‌ی از نزدیک آنها چیز دیگری است: به‌طور خاص، دانشجویان و اساتید جوان آماج تبعیض‌ها و ستم‌هایی هستند که از سوی اساتید ارشد، به شکل شبکه‌ای و انفرادی، در یک نظام نژادی اعمال می‌شوند. برای نژادگراها دانشگاه همچون اجتماعی تصور می‌شود که می‌بایست در برابر تهدیدهای خلوص نژادی از خودش دفاع کند. آنهایی که نمی‌خواهند درون نژادگرایی بلعیده شوند، با تن زدن و تفاوتی که یا دارند یا می‌خواهند ایجاد کنند، صف آنارشیک را تشکیل می‌دهند. در مقابل، صف محافظه‌کار در پی تقویت و بازتولید نظم کهن است.

نژادگرایی فرهنگی در دانشگاه‌های تهران، تداوم نژادگرایی‌هایی است که «مرکز‌نشینان» تهران علیه دیگری‌ها به کار می‌بندند. دانشجویان و اساتید جوان در گفتمان نژادی اساتید «قدیمی» بر اساس معیارهایی چون تهرانی / شهرستانی، دارای سرمایه فرهنگی / فاقد سرمایه فرهنگی، تابع بودن / سرکش بودن، تعلق داشتن به تیم خودی / بازی کردن در تیم دشمن تقسیم می‌شوند به دو گونه، دو نژاد، دو فرهنگ. آسیمیلیشن نژادی راه نجات برای دانشجویان و اساتید جوان است: شبیه شدن به نژادگراها. شمار قابل توجهی به اجبار یا اختیار راه شباهت را در پیش می‌گیرند. اما افرادی که به تعبیر میشل فوکو در برابر فرایندهای «نرمال شدن» مقاومت می‌کنند یا توانایی تبدیل شدن به سنخ آرمانی دانشجوی و استاد مطلوب را ندارند، افراد مورد مطالعه در این پژوهش، به‌طور مستمر به درون مقوله‌ی نژادی پست انداخته می‌شوند. سپس مکانیسم‌های فشار، که برخی برگرفته از فرهنگ غالب در محیط دانشگاه و برخی به‌طور هدفمند طراحی شده‌اند، آغاز می‌شوند. هدف ناکام‌سازی، نابرابر‌سازی، و ضعیف‌سازی است تا در نهایت به تعبیر پیر بوردیو این حس را در بین مغلوب‌شدگان ایجاد کنند که «اینجا جای ما نیست». قبل از رسیدن به این حس، برخی از قربانیان نژادگرایی مقاومت کرده و در مبارزه‌ای نابرابر جنگیده‌اند. ولی وصل شدن صف محافظه‌کار به نظام بوروکراتیک کهنه‌سالار، ابزارهای موثری در اختیار آنها برای از میدان به در کردن نژاد پست قرار می‌دهد. کوشش صف محافظه‌کار آن است تا لباس دانشگاه هر چه بیشتر با قامت فرهنگ خودی‌ها متناسب گردد و می‌کوشند تا آن را به‌عنوان فرهنگ عام و نرمال جا بزنند. نژادگرایی فرهنگی با سیاست مرگ عمل می‌کند و به شکل‌های متنوعی بر قربانیان خود صدمه می‌زند: تحقیر، طرد، حذف، و مرگ. ترومای برآمده از

تجربه‌های زیسته از نژادگرایی فرهنگی تا سال‌ها و گاه تا پایان عمر همچون زهری بر زندگی روزمره‌ی قربانیانش ریخته می‌شود. آنچه از این نبرد باقی می‌ماند، انبانی از خشم و نفرت زمین‌گیرکننده در دانشجویان و اساتید جوان است. ناامیدی تا حدی پیش می‌رود که برخی از شکست‌خوردگان تاب نمی‌آورند و دق می‌کنند.

واژگان کلیدی

نژادگرایی فرهنگی، دیگری، سیاست مرگ، مردم‌نگاری، دانشگاه، تهران

کیفیت زندگی دانشگاهی دانشجویان، واقعیت مسئله‌ساز

دکتر رضا مهدی

دانشیار مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی

mahdi002@gmail.com

کیفیت زندگی به‌عنوان احساس رضایت کلی افراد از زندگی از ابعاد، وجوه و مؤلفه‌های مختلفی تشکیل شده است. در زندگی دانشگاهی دانشجویان، تمامی عوامل و متغیرهای مؤثر بر زندگی دانشجویان در طول سالهای تحصیل و حضور در دانشگاه به‌عنوان اجزای تشکیل‌دهنده کیفیت زندگی تحصیلی، حائز اهمیت می‌باشد. مهمترین عوامل و عناصر تشکیل‌دهنده سازه زندگی دانشجویان و به تبع آن، اجزای کیفیت زندگی دانشگاهی شامل اسکان، عوامل آموزشی، عوامل پژوهشی، رفت و آمد و دسترسی‌ها، هزینه‌های زندگی، تغذیه، روابط اجتماعی-فرهنگی، روابط علمی، تفریح و اوقات فراغت، شادابی و نشاط، روابط خانوادگی، رشد فردی، آینده شغلی، اقتصادی و خانوادگی و نظایر آنها است. در واقع، کیفیت زندگی دانشجویان علائم ویژه‌ای از میزان رضایت آنها از زندگی دانشجویی است. این پژوهش با هدف مطالعه کیفیت زندگی تحصیلی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران به روش پیمایش با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته، انجام شده است. کیفیت زندگی تحصیلی دانشجویان به‌طور معناداری کمتر از حد متوسط، کیفیت زندگی دانشجویان بومی کمتر از حد متوسط و کیفیت زندگی دانشجویان غیر بومی در حد متوسط ارزیابی شده است. سه بُعد روابط اجتماعی-فرهنگی و اوقات فراغت، محل و شرایط زندگی و فضای عمومی دانشگاه از مؤلفه‌های اصلی افزایش کیفیت زندگی و مورد رضایت دانشجویان بوده است. چهار بُعد امکانات حمل و نقل و دسترسی به دانشگاه‌ها، خدمات ورزشی، رفاهی و تفریحی، سلامت جسمی فردی و امکانات درمانی دانشگاه‌ها و بهداشت و کیفیت غذای رستوران‌های دانشجویی از مؤلفه‌های اصلی کاهش کیفیت زندگی و از موارد اصلی نارضایتی دانشجویان است. همچنین، سه بُعد آموزش و خدمات آموزشی، اعضای هیأت علمی و رشد فردی و چشم‌انداز و آینده شغلی، وضعیت متوسط داشته و رضایت دانشجویان در این ابعاد، بینابینی است.

واژگان کلیدی

آموزش عالی، دانشگاه، کیفیت زندگی دانشگاهی، کیفیت زندگی تحصیلی.

پنل ۴: مناسبات دانشگاهی و نقش آن در تداوم مسایل اجتماعی

-انزوا اجتماعی در امتداد انزوا در آموزش عالی، دکتر لیلا فلاحتی

- دانشجو: ابژه‌ی برنامه‌ریزی، یا سوژه‌ی برنامه‌ریز، دکتر رضا کلاهی

- دانشگاه محصور در معماری، آقای دکتر حامد طاهری کیا

-نازیسته: زیست دانشجویی در آموزش آنلاین، دکتر صدرا خسروی

-آزار جنسی در دانشگاه، دکتر ناصرالدین علی تقویان

انزوا اجتماعی در امتداد انزوا در آموزش عالی: مروری بر سهم زنان در مناصب مدیریتی آموزش عالی ایران

دکتر لیلا فلاحتی

دانشیار موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی

I.falahati@gmail.com

مروری بر دستاوردهای آموزش عالی در چند دهه گذشته نشان میدهد که امروز آموزش عالی موفق شده فرصت‌های بیشتری را در اختیار گروه‌های مختلف اجتماعی قرار دهد و زنان در مجموع گروه‌هایی هستند که فرصت بیشتری را برای حضور در آموزش عالی کسب کرده‌اند. مروری بر شاخص مشارکت مردان و زنان در آموزش عالی جهان نشان میدهد زنان به ذینفعان اصلی افزایش دسترسی به آموزش عالی در سراسر جهان تبدیل شده‌اند، اما همچنان نابرابری‌های مختلفی را تجربه می‌کنند. یکی از مهمترین این نابرابری‌ها، حضور زنان در موقعیت‌های مدیریتی است که بصورت دومینویی در بازتولید دیگر نابرابری‌ها نقش دارد. گزارش یونسکو (۲۰۲۱) نشان میدهد بصورت میانگین در بهترین حالت زنان ۱۷ درصد از مناصب ریاست دانشگاه‌ها را بر عهده دارند و در برخی از کشورها تاکنون هیچ زنی در منصب ریاست دانشگاه قرار نگرفته است. هدف این مطالعه از این منظر بررسی سهم زنان در مناصب مدیریتی در دو زیر نظام وزارت علوم و وزارت بهداشت ایران بود. یافته‌ها نشان میدهد که زنان سهم ۱۰ درصدی در مناصب مدیریتی دارند و بیشترین سطح مشارکت آنان در مدیریت گروه است. یافته‌ها نشان میدهد زنان در دهه اول استخدام به یکی از این مناصب خواهند رسید، اما در ادامه مسیر زنان از حضور در مراتب بالاتر بازمانده‌اند. مقایسه این وضعیت با سهم زنان در ساختار مدیریتی کشور نیز موید امتداد این نابرابری در ساختار و نهادهای اجتماعی است. بطوریکه بررسی سهم زنان در مشارکت اقتصادی نشان میدهد که نرخ زنان دانش‌آموخته جویای کار دو برابر مردان دانش‌آموخته است. علاوه بر این سهم زنان در مناصب مدیریتی نیز در چهار دهه گذشته، هیچگاه از ۲۱ درصد فراتر نرفته و بر اساس آخرین گزارش شکاف جنسیتی (۲۰۲۲)، ۱۸ درصد از مناصب در اختیار زنان و ۸۲ درصد در اختیار مردان است. انطباق این دو فاصله بر یکدیگر نشان میدهد که زنان در هر دو بستر در حال تجربه انزوا هستند.

واژگان کلیدی

زنان در مدیریت، زنان و رهبری، آموزش عالی، شکاف جنسیتی، انزوا اجتماعی،

دانش‌جو، اثره‌ی برنامه‌ریزی یا سوژه‌ی برنامه‌ریز؟

دکتر محمدرضا کلاهی

استادیار مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی

kolahi@iscs.ac.ir

پرسش آن است که آیا دانشگاه و حیات دانشگاهی، امکانی برای فاعلیت یافتن دانشجو فراهم می‌آورد؟ آیا دانشگاه (به زبان آلتوسر) یک‌سر سازوبرگ ایدئولوژیک دولت است، یا در این سیطره‌ی ایدئولوژیک، امکان رخنه‌کردنی هست؟ در زیست‌دانشجویی چه امکان‌هایی برای کنش‌گری و سوژگی وجود دارد؟

زیست-جهان‌دانشجویی را می‌توان به دو خرده-جهان تفکیک کرد: «خرده-جهان برنامه» و «خرده-جهان فوق‌برنامه». خرده-جهان برنامه، جهان آموزش رسمی است؛ شامل کلاس درس و امتحان و پایان‌نامه و غیره. خرده-جهان فوق‌برنامه شامل مجموعه‌ی کلیه‌ی فعالیت‌های «غیردرسی» (یا خارج از برنامه، یا فوق برنامه) است که درون موقعیت دانشگاه انجام می‌شود؛ اعم از فعالیت‌های ادبی-هنری، سیاسی، اجتماعی، تفریحی، ورزشی و مانند این‌ها.

بوروکراسی دانشگاهی، خرده-جهان برنامه را هسته‌ی اصلی نظام دانشگاهی معرفی می‌کند. خرده-جهان فوق‌برنامه را ساحتی فرعی، تبعی و غیرجدی می‌نمایاند که گویا اهمیت‌اش فقط در آماده‌کردن دانشجو برای حضور در خرده-جهان برنامه است. بخش اعظم نیروی سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران آموزش عالی به مدیریت، تنظیم و اجرای برنامه‌ی آموزش رسمی صرف می‌شود. جایی که دانش‌جو «تحت» اجرای برنامه‌هایی قرار دارد که آموزش‌گران برای‌اش تدارک دیده‌اند. جایی که دانشجو اثره‌ی برنامه‌ریزی است. در همین خرده-جهان است که دانشگاه سازوبرگ ایدئولوژیک دولت است.

خرده-جهان فوق‌برنامه، ساحت غیبت سیلابس و امتحان و نمره، و غیبت اجبار قانون قاعده است. خرده-جهان فوق‌برنامه، جایگاه فعالیت‌های «اختیاری و آزادانه» است؛ ساحت فاعلیت یافتن فرد. نسبت برنامه و فوق‌برنامه، نسبت اجبار و اختیار است. در جهان رسمی برنامه، دانشجو اثره‌ی برنامه‌ریزی است و در جهان غیررسمی فوق‌برنامه، سوژه‌ی برنامه‌ریز.

اما در زیست‌دانشجویی می‌توان بخش غیررسمی‌تری هم تشخیص داد که اختیار و آزادی دانشجو در آن، از خرده-جهان فوق‌برنامه هم بسیار بیش‌تر است: خرده-جهان زندگی شخصی و خصوصی؛ زیست محفلی خارج از منظر و مرئای عموم و بیرون از عرصه‌ی عمومی حیات دانشگاهی؛ مثل محفل‌های دوستانه در فضای دانشگاه بیرون از کلاس درس، یا بیرون از دانشگاه در کافه‌ها، یا بازمهم شخصی‌تر در اتاق‌های خوابگاه یا خانه‌های دانشجویی. گرچه هرچه به سمت فضای درونی‌تر زندگی شخصی پیش می‌رویم، اختیار و آزادی بیش‌تر می‌شود اما این اختیار و آزادی به معنای سوژگی یافتن و اعمال فاعلیت نیست. آزادی و اختیار در عرصه‌ی عمومی و در زیست جمعی است که کنشی‌رهایی‌بخش است نه در تنهایی خصوصی فردی.

بنابراین برنامه‌ریز بودن و عاملیت داشتن در نقطه‌ی میانی طیف رسمی-غیررسمی است که بیش‌ترین اهمیت را دارد. در حیات دانشگاهی، بخش فعالیت‌های فوق‌برنامه‌ی دانشگاهی دقیقاً در این نقطه قرار دارد. و دقیقاً به همین دلیل است که این نقطه، نقطه‌ی تعقیب و گریز مدام میان برنامه و فوق‌برنامه، میان طراحی شدن و طراحی کردن، میان ابژگی و سوژگی، و میان ساختار و کنش‌گر است. سازوبرگ اداری دستگاه آموزش مدام در تلاش است تا ساحت فعالیت‌های «فوق‌برنامه» را نیز تحت «برنامه‌ریزی» خود قرار دهد. مدام تلاش می‌کند جهان فوق‌برنامه را به درون جهان برنامه بکشاند. مدام تلاش می‌کند برای فعالیت‌های غیرآموزشی فرهنگی، هنری و تفریحی هم قاعده و قانون وضع کند و

دامنه‌ی برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری را به جهان دانشجویی سرایت دهد و زیست دانشجویی را نیز درون زیست دانشگاهی حل کند. دانشجو نیز مدام از قلمرو قانون‌گذاری می‌گریزد و قلمرو فوق‌برنامه را از دست‌اندازی نیروی برنامه دور می‌سازد. نکته‌ی مهم آن است که خود همین تلاش و مقاومت است که به دانشجو امکان سوژگی و فاعلیت می‌بخشد و جهان فوق‌برنامه را به جهان کنش‌رهاییی بخش تبدیل می‌کند.

واژگان کلیدی

دانشجو، دانشگاه، برنامه، فوق‌برنامه، کنش‌رهاییی بخش، سوژگی

دانشگاه محصور در معماری

دکتر حامد طاهری کیا

استادیار مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی

Kia.erhut@iscs.ac.ir

دانشگاه ایرانی چگونه می‌تواند به یک دانشگاه فرایندی تبدیل شود؟ پاسخ به این پرسش یعنی دانشگاه در وضعیت اکنون ایران دارای ماهیت فرایندی نیست. جامعه دارای ماهیت فرایندی است و جریان تاریخی تجربه‌گرایی بر آن حاکم است. تجربه‌گرایی منظور دریافت زندگی به وسعتی از آزمون و خطاست. زمان در جامعه فرایندی نه مبتنی بر تیک تاک خطی ساعت دقیقه شمار به نفع امتداد ابدی ارزش‌های تاریخی بلکه زمان جریانی از دوره‌های مختلف تحول و تغییر است. زمان و فضا در جامعه فرایندی ماهیت توپولوژیکال دارند و از دوره‌ای به دوره‌ای دیگر تغییر شکل می‌دهند. مادیت جامعه به درون ارزش‌های جدید فرو می‌رود و ارزش‌های تازه به مادیت متفاوت جامعه شکل می‌دهند. دانشگاه ایرانی دچار ناکارکردهایی مانند موج مهاجرت دانشجویان و اساتید، بی‌کاری فارغ از تحصیلات، زیست فرهنگی و علمی نامناسب، و از دست رفتن کلاس درس در پیوند با تقلب‌های علمی و گرفتن بیگاری از دانشجویان به مثابه نیروی کار مجانی و ارزان است. دانشگاه ایران در چنین ناکارکردی نسبت به وضعیت اکنون جامعه ایرانی و معیارهای جهانی شدن در بیگانگی به سر می‌برد. بنابراین هدف اصلی مقاله ایجاد موقعیتی از نوشتن برای مسئله آمیز کردن دانشگاه در نسبت با محصور شدنش در معماری اش است. ایده دانشگاه محصور در معماری چیست؟ پاسخ به این پرسش درباره دانشگاهی است که ماهیت فرایندی اش را از دست داده است. دانشگاه تهری از ماهیت فرایندی اش به از دست رفتن ظرفیت‌های تجربه‌گرایی و آزمون و خطا در فضای دانشگاه منجر شده است. برای تبیین این ایده ما به سراغ پژوهش‌هایی خواهیم رفت که این از دست رفتگی را حمایت می‌کنند. از مفهوم سازی برای قرار دادن این پژوهش‌ها در مسئله‌ای تازه استفاده خواهد شد. بر اساس نتیجه‌گیری، دانشگاه کالبدی تهری از فرایند پیوند با وضعیت اکنون جامعه ایران، تقلیل یافته به جسد معماری است.

واژگان کلیدی

دانشگاه، دانشجوی، توپولوژی، زمان، معماری، فضا.

نازیسته: زیست دانشجویی در تجارب آموختن آنلاین

دکتر صدرا خسروی

استادیار موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی

sadra.xosravi@gmail.com

در آموزش دانشگاهی حضوری پیشاکرونا، حداقل ۵ برداشت از مفهوم زیست دانشجویی وجود داشت: ۱. فرآیند (نه تبعیت رفتاری، نه درونی-سازی، نه باورمندی، بلکه) آشنایی با هنجارهای گفتمان حاکم درباره کنش در فضای دانشگاهی (که به اشتباه، جامعه‌پذیری یا اجتماعی‌شدن خوانده شده)؛ ۲. مشارکت در فعالیتهای فرهنگی فوق‌برنامه درسی (مانند سخنرانیها، سفرها، کارگاههای آموزشی، رویدادهای انجمن علمی دانشجویی، کانونهای تولید-عرضه-مصرف آثار هنری، و کمک به مردم در بحران)؛ ۳. بازسازی زیست‌جهان دانشجو در تعامل با جهان دانشگاهی؛ ۴. تفسیر فرد از تجربه دانشجویی؛ ۵. تجربه امکانهای سلب‌شده، ازدست‌رفته، یا تجربه‌نشده کنش در خارج از دانشگاه. در همه این برداشتها، دانشگاه، بیش و پیش از آنکه فضای آموختن رسمی محتوای اطلاعات تخصصی رشته تحصیلی باشد (و کارکرد آن آموزش باشد، و ممکن است به صرف انتقال اطلاعات تقلیل یابد)، فرصتی برای غیررسمی آموختن مهارتهای زندگی، (و ورای همه آنها) امکان کنشگری است. در آموزش غیرحضوری دوران کرونا، بخشی از این تجربه‌ها، نه منتفی، بلکه متوقف شد: دانشجویان، در کلاس درس، بصورت فیزیکی در کنار هم نبودند؛ در حیات دانشکده، دور هم جمع نمی‌شدند؛ و فعالیتهای جمعی برون‌دانشکده‌ای برای آنها تعریف نشده بود زیرا اغلب آنها از شهرهای محل زندگی خود (و نه شهر دانشگاه) در کلاسهای آنلاین حاضر می‌شدند، رفت و آمد بین شهرها تا مدتها با محدودیت روبرو بود، و (نه همه) ولی بسیاری از دانشجویان همشهری (حداقل در چند ماه نخست همه‌گیری کرونا) از هر ارتباط غیرضروری با هم‌درسان بر حذر داشته شده بودند یا از آن پرهیز می‌کردند. آیا این بدان معناست که زیست دانشجویی در آموزش برخط (آن لاین)، (مفهومی) بی‌معنا، (کارکردی) ابتر، و حتی (یافتی) ناممکن است؟ در این مقاله تلاش می‌شود به این پرسش و چالش پاسخ داده شود، و برای آن راهبردها و راهکارهایی پیشنهاد شود.

واژگان کلیدی

زیست دانشجویی، آموزش آن لاین، کرونا، کنش

آزار جنسی در دانشگاه

دکتر ناصرالدین علی تقویان

استادیار مطالعات فرهنگی و اجتماعی

taghavian@gmail.com

واکنش دختران دانشجو در برابر ناامنی و آزار جنسی در شکل‌های سه‌گانه‌ی بهره‌کشی، خشونت و تبعیض را می‌توان به‌طور کلی در سه دسته جای داد:

۱. سکوت و انزوا، ۲. استفاده‌ی ابزاری، ۳. مقاومت و مبارزه.

به نظر می‌رسد میزان فراوانی این واکنش‌ها به همین ترتیب است. یعنی بیشتر دختران ترجیح می‌دهند سکوت و انزوا پیشه کنند، برخی در پی استفاده‌ی ابزاری از جنسیت‌زدگی فضاهای دانشگاهی در جهت اهداف خود برمی‌آیند، و شمار اندکی نیز دست به مقاومت و مبارزه می‌زنند. البته این بررسی نمی‌تواند پاسخی قطعی و تعمیم‌پذیر به پرسش «میزان فراوانی» هر یک از واکنش‌ها بدهد، زیرا اصولاً در پی بررسی کمی موضوع نبوده‌ایم. اما با همین داده‌های موجود می‌توان با احتیاط درباره‌ی نسبت فراوانی انواع واکنش‌ها داوری کرد.

به‌طور خلاصه، از مجموعه‌ی بررسی‌ها و مصاحبه‌ها چند نتیجه‌ی کلی درباره‌ی ناامنی و آزار جنسی دختران دانشجو به دست می‌آید. با توجه به کم‌دامنه بودن مطالعات و پژوهش‌ها درباره‌ی این پدیده در ایران، این نتایج فقط می‌تواند بخش کوچکی از واقعیت ناامنی و آزار جنسی در محیط‌های دانشگاهی را نشان دهد، چنان‌که می‌توان به جرأت گفت که همچون قله‌ی کوه یخی است که بخش اعظم آن زیر آب و بیرون از آگاهی و دیدرس ماست. با این حال، حتی همین نتایج را نیز می‌توان پایه‌ی اقدامات دیگر برای تغییر مناسبات موجود قرار داد.

۱. قربانیان ناامنی و آزار جنسی در شکل بهره‌کشی در دانشگاه‌ها به‌طور عمده دختران جوان بین سنین ۲۰ تا ۳۰ سال هستند. اما قربانیان خشونت و تبعیض جنسی کمابیش همه‌ی زنان و دختران دانشجو را دربر می‌گیرد.

۲. استادانی که اقدام به بهره‌کشی جنسی می‌کنند به‌طور عمده طیف سنی بالای ۴۵ سال دارند و در میان‌شان هم متأهلان و هم مجردان حضور دارند. اما اعمال‌کنندگان خشونت و تبعیض جنسی هم استادان و هم کارمندان، افزون بر هنجارها و ارزش‌های مردسالارانه و نیز قوانین و مقررات تبعیض‌آمیز، هستند.

۳. محل وقوع اقدامات بهره‌کشی جنسی به‌طور عمده در مکان‌های خصوصی همچون اتاق شخصی استاد، دفتر کار بیرون از دانشگاه، و منزل، به علاوه‌ی فضای مجازی و مکالمات تلفنی است. با این حال تبعیض و خشونت در مکان‌های عمومی همچون کلاس و فضاهای اداری و عمومی دانشگاه نیز اعمال می‌شود.

۴. طیف آزارهای جنسی شکل‌هایی را دربر می‌گیرد از تلاش برای نزدیکی فیزیکی، بوسیدن، نوازش و لمس بدن، آزار کلامی و فیزیکی و حتی در برخی موارد تجاوز به عنف.

۵. واکنش‌های قربانیان ناامنی و آزار جنسی در سه شکل بروز می‌یابد: سکوت و انزوا، استفاده‌ی ابزارهای مقاومت و مبارزه.

۶. عمده‌ترین مشکل دختران دانشجو، با استادان مرد است که در برابر آنان کمابیش بی‌دفاع هستند. در حالی که موارد آزار و ناامنی جنسی از سوی پسران دانشجو نسبت به استادان مرد کمتر بوده و در همین موارد کم نیز دختران دانشجو از عهده‌ی مقابله عمدتاً برمی‌آیند.

۷. مراجع رسمی همچون حراست، کمیته‌های انضباطی، رؤسای دانشکده و دانشگاه، پلیس و مانند اینها به ندرت توان یا اراده‌ای برای کاستن از شدت و ژرفای پدیده‌ی ناامنی و آزار جنسی در دانشگاه‌ها دارند. دختران دانشجوی قربانی بهره‌کشی و خشونت و تبعیض از مراجعه به این گونه مراجع رسمی ابا دارند و اصولاً به آنها بی‌اعتمادند. موارد برخوردهای رسمی نیز بیشتر با انگیزه‌ی تسویه حساب شخصی یا گروهی یا سیاسی یا ایدئولوژیک صورت می‌گیرد. به طور کلی نهادهای رسمی خود بخشی از مشکل هستند و نه راه حل.

۸. رویکردها و برخوردهای ایدئولوژیک و نیز اقداماتی همچون طرح‌های حجاب و عفاف، تفکیک‌های جنسیتی و مانند اینها، یا مواجهه‌های صرفاً اخلاقی و اندرزگونه نه تنها چاره‌ی کار نیست، بلکه خود در دامن زدن به فضای جنسیت‌زده و ناامن برای دانشجویان دختر سهیم‌اند.

واژگان کلیدی

آزار جنسی، ناامنی جنسی، دختران، دانشگاه، مراجع رسمی

پنل ۵: نقش عناصر دانشگاهی در شکل‌گیری و یا گسترش مسایل اجتماعی

-استاد پژوهشگران زن در میدان دانشگاه، دکتر خدیجه کشاورز

-تجربه زیسته دانشجویان از تحقیر اجتماعی در دانشگاه، مهشید شهیدی

-مسایل اجتماعی دانشجویان دختر خوابگاهی، دکتر زهره انواری

-چرخش پارادایمی در فعالیت گروه‌های دانشجویی؛ آیا آسیب‌ها رهن خواهد بود؟، دکتر مهدی حسین زاده

- نقش تشکل‌های دانشجویی در کاهش آسیب‌های اجتماعی، دکتر فاطمه قاسم پور

-واکاوی زندگی دانشگاهی دانشجویان بین‌الملل در ایران: مطالعه موردی اتباع افغانستان، دکتر سعیده سعیدی

-دانشگاه: مسیر خروج از نابالغی فکری؟، دکتر فرشید یزدانی

استاد پژوهشگران زن در میدان دانشگاه ایرانی

دکتر خدیجه کشاورز

استادیار موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی

keshavarz.nahid@gmail.com

با وجود برابری نسبی سهم دختران دانشجو به ویژه در دانشگاه‌های دولتی، جهان دانشگاهی در ایران همچنان جهانی مردانه باقی مانده است. به طوری که با وجود سابقه زیاد حضور زنان در آموزش عالی به عنوان عضو هیئت علمی، ترکیب جنسیتی اعضای هیئت علمی در مراتب مختلف نشان‌دهنده پایداری شکاف جنسیتی طی دهه‌های گذشته است. از سوی دیگر زنان در مدیریت آموزش عالی و کسب موقعیت‌های بالا در مراتب علمی، فرصت‌های محدودی داشته‌اند. بررسی ترکیب جنسیتی مراتب دانشگاهی در دهه‌های گذشته نشان می‌دهد در هر سه مرتبه استادیاری، دانشیاری و استادی زنان فاصله معناداری با مردان داشته‌اند. در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ زنان ۳۳/۶۰ درصد اعضای هیئت علمی در کل کشور شامل اعضای هیئت علمی تمام وقت و پاره وقت را تشکیل می‌دهند. در این سال سهم زنان در مرتبه استادی، ۱۴/۵۵ درصد؛ در مرتبه دانشیاری ۱۸/۵۲ درصد و در مرتبه استادیاری ۲۸/۱۰ درصد بوده است (موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، آمار آموزش عالی ایران، ۱۳۹۸: ۱۶۵). هدف این مطالعه فهم چرایی شکاف جنسیتی در حرفه دانشگاهی و تجربه زیسته استاد پژوهشگران زن از علم ورزی در میدان دانشگاهی ایران است. رویکرد روش شناختی این پژوهش کیفی است. برای رسیدن به فهمی دقیق تر از زندگی حرفه‌ای زنان دانشگاهی دو دانشگاه یکی دانشگاهی در مرکز، برخوردار، دارای رتبه بالا و سنت‌های زندگی دانشگاهی جاافتاده یعنی دانشگاه تهران را انتخاب کرده‌ایم و دیگری دانشگاه خلیج فارس بوشهر، دانشگاهی دور از مرکز در جنوب غربی ایران، جوان و فاقد بسیاری از امکانات و سنت‌های زندگی دانشگاهی. در هر دو دانشگاه با ۱۸ عضو هیئت علمی مصاحبه نیمه ساختار یافته انجام داده ایم و برای تحلیل مصاحبه‌ها نیز از روش تحلیل تماتیک یا مضمون استفاده کرده‌ایم. یافته‌های این مطالعه نشان دهنده دشواری بیشتر زنان برای ورود به حرفه هیئت علمی و پس از آن ارتقاء در نظام دانشگاهی در نسبت با هم‌تایان مرد است. بنا بر یافته‌های پژوهش، مهمترین دشواری زنان هیئت علمی، کار در نهادی با ماهیت دانشگاه است که در این جا به پیروی از پاسکال باریبه و برنارد فوزولیه، آن را نهاد حریص نامیده‌ایم (باریبه و فوزولیه، ۱۳۹۸). کارکردن در چنین نهادی، مستلزم نشان دادن تعهد و سرمایه‌گذاری کامل از طرف فرد در کار حرفه‌ای است. همچنین سلطه نگاه کمی در بررسی پرونده‌های ترفیع از نگرانی‌های استاد-پژوهشگران زن بود. روایت‌های استاد-پژوهشگران زن سرشار از دشواری‌های ارتقاء و ایجاد تعادل میان وظایف آنان به عنوان پژوهشگر، آموزشگر و نیز مادر و همسر است. بیشتر استراتژی‌های به کار گرفته شده برای زنان هیئت علمی، راه حل‌های فردی برای ایجاد تعادل بین کار و زندگی خصوصی شان است.

واژگان کلیدی

استاد-پژوهشگر زن، شکاف جنسیتی، نهاد حریص، دانشگاه تهران، دانشگاه خلیج فارس.

مطالعه‌ای بر اخلاق علمی در دانشگاه با تاکید بر تجربه زیسته دانشجویان از تحقیر اجتماعی

مهشید شهیدی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه

mahshidshahidi@yahoo.com

آموزش، زیربنای توسعه پایدار انسانی است و ابزار اصلی برای تحقق اهداف توسعه به شمار می‌رود. آموزش باید در جهت توسعه کامل شخصیت انسانی باشد و تحقق اهداف آموزشی نمی‌تواند بدون توجه به جنبه‌های اخلاقی صورت پذیرد، از سوی دیگر باید توجه داشت¹ TSR به‌عنوان سازه‌ای مهم در پژوهش‌های آموزشی ظهور کرده است و تدریس بیش از آن که تلاشی شیوه‌مند و فنی باشد، یک مهارت و تکنیک اخلاقی است و از ارزش ذاتی برخوردار است. از این منظر توجه به اقتدار و قدرتی که اساتید دارند، به واسطه توانایی برای منفعت رساندن یا آسیب رساندن به دانشجویان بسیار ضروری است. بر این اساس تحقیق حاضر در تلاش است تا در مرحله اول به توصیف فهم دانشجویان از تجربه تحقیر در روابط استاد-شاگردی بپردازد و بر اساس آن راهبردهایی را در این خصوص ارائه دهد. شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش هدفمند بوده است و با ۴۵ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی و شریف که تجربه عمیقی از تحقیر در روابط استاد-شاگردی داشته‌اند مصاحبه انجام شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که، تجربه زیسته از تحقیر را می‌توان بر حسب سطوح آن به سه نوع تحقیر در قالب عملکرد، تحقیر در قالب ساختاری و تحقیر در قالب رفتاری-ارتباطی طبقه بندی کرد.

آن چه در سطح عملکردی مورد مطالعه قرار می‌گیرد نحوه عملکرد اساتید در کلاس‌های درس، شیوه‌های آموزشی، نحوه ارزشیابی دانشجویان و سبک‌های مدیریتی کلاس می‌باشد. این شکل از تحقیر در ۴ بعد عدالتی، ارزشیابی، آموزشی و اجرایی صورت می‌گیرد. بعد عدالتی بیشتر برمسئولیت اخلاقی اساتید در قبال دانشجویان و رعایت حقوق آن‌ها نظیر عدم استفاده ابزاری، عدم ذکر نام دانشجویان در پروژه‌های مشترک و استفاده از برند علمی استاد بدون مشارکت در پژوهش اشاره دارد. ارزشیابی درست یکی از مهم‌ترین جنبه‌های اخلاق آموزشی است. بیشتر دانشجویان در این زمینه به نبود ضوابط روشن و عدم شفافیت در این حوزه اشاره داشته‌اند.

بعد آموزشی نیز بیشتر بر شیوه‌های آموزش، ابزار و محتواهای آموزشی و نحوه انتقال دروس به دانشجویان اشاره دارد. نامناسب بودن شیوه‌های آموزش، عدم پیوستگی و پراکندگی محتواهای تدریس شده، نامناسب بودن ابزارهای آموزشی، بدیهی تلقی کردن محتواها، تکراری بودن محتواهای تدریس شده، غیرکاربردی بودن مباحث تدریس شده، عدم استفاده از منابع روز و تاکید بر روی محتوای تولید شده از سوی اساتید و شیوه تدریس دانشجو محور از مهم‌ترین موضوعات مطرح شده در خصوص این بعد بوده است. در بعد اجرایی نیز تعارض نقشی اساتید و بی‌نظمی در برگزاری کلاس‌ها از مهم‌ترین موضوعات در این بعد بوده است.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که راهبردهای شناسایی شده را در ۳ بعد تعاملی-ارتباطی، عملکردی و نظارتی می‌توان دسته‌بندی کرد:

بعد تعاملی-ارتباطی به مضامینی نظیر تعاملات دوستانه با دانشجویان، القای حس ارزشمندی و اعتماد به نفس به دانشجویان، همراهی با دانشجویان و پرهیز از ایجاد فضای رقابتی ارجاع داشته است.

¹ Teacher – student relationship

در بعد عملکردی نیز به مفاهیمی نظیر تمرکز بر حوزه‌های تخصصی، انتقال دانش، عدم تحمیل نظرات، رعایت نظم در برگزاری کلاس‌ها، در دسترس بودن اساتید و استفاده از منابع روز اشاره شده است. در این بعد همچنین ارزیابی درست و شفافیت در نمره دهی از مقولات شناسایی شده می‌باشد.

در بعد نظارتی نیز، ارزیابی مستمر بر اساتید، مبارزه با فساد ساختاری و ایجاد یک نهاد نظارتی بی‌طرف در ساختار سازمانی دانشگاه جهت داوری از مهم‌ترین راهبردها هستند.

بررسی مسائل اجتماعی دانشجویان دختر خوابگاهی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران

دکتر زهره انواری

استادیار دانشگاه تهران

anvaari.zohreh@gmail.com

خوابگاه عرصه‌ای نیمه عمومی است که در آن عده‌ای از هم‌سالان درگیر تعاملات بین‌فرهنگی می‌شوند. این تعاملات می‌تواند تاثیر مثبت یا منفی بر زندگی فرد گذارد و از او در برابر تصمیم‌گیری‌های زندگی اجتماعی‌اش، فردی مستقل یا منفعل بسازد. مساله اصلی در این پژوهش به تصویر کشیدن زندگی خوابگاهی است. سوال ما این است که آیا دانشجویان دختر، به خوابگاه حس تعلق دارند؟ حس تعلق از این نظر اهمیت دارد که از سویی شرایط مناسب باعث آن می‌شود و از سوی دیگر در صورت وجود حس تعلق به یک مکان فرد برای بهبود وضعیت آن تلاش خواهد کرد. عوامل مهمی از جمله امنیت، حریم خصوصی فرد، تعامل مثبت با دیگران مهم (هم اتاقی‌ها و مسئولین خوابگاه) و قوانین در شکل‌گیری حس تعلق موثرند. در این تحقیق از طریق روش داستان زندگی با ۶۰ دانشجوی دختر ساکن خوابگاه‌های دانشگاه‌های تهران، تربیت مدرس، الزهرا و شهید بهشتی در تمامی مقاطع تحصیلی مصاحبه کردیم. عوامل انسانی، مکانی و زمانی در شکل‌گیری حس تعلق در خوابگاه موثرند. عوامل مهمی از جمله رشته تحصیلی، مقطع تحصیلی، فرهنگ و نوع جامعه‌پذیری افراد، سن، خصوصیات فردی مانند درون‌گرا و برون‌گرا بودن فرد و به میزان خیلی کمی قومیت در شکل‌گیری حس تعلق به خوابگاه موثرند. از سویی بررسی‌های ما نشان داد که به دلیل نداشتن حریم خصوصی، مشکل در ایجاد و برقراری ارتباط با مسئولین و هم اتاقی‌ها، محدودیت‌های ناشی از قوانین خوابگاه حس تعلق نسبت به خوابگاه در اکثر دانشجویان پایین است. که راهکارهایی برای بهبود شرایط زندگی در خوابگاه ارائه دادیم.

واژگان کلیدی

خوابگاه دانشجویی، دانشجویان خوابگاهی، زندگی خوابگاهی

چرخش پارادایمی در فعالیت گروه‌های دانشجویی؛ آیا آسیب‌ها رهن خواهد بود؟

دکتر مهدی حسین‌زاده فرمی

استادیار مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم

mferemi@gmail.com

گروه‌های دانشجویی چون «انجمن‌های علمی دانشجویی»، «کانون‌های فرهنگی، هنری، ادبی، اجتماعی و مذهبی دانشجویی»، «تشکل‌های اسلامی دانشجویی (سیج دانشجویی، انجمن اسلامی دانشجویان و...)»، «فتالان نشریات دانشجویی» و «شورای صنفی دانشجویی»، علاوه بر دارا بودن کارکردهای مختص خود و انجام کارویژه‌های مشخص، محل و بستر بسیار خوبی برای توانمندسازی فرهنگی و اجتماعی دانشجویان می‌باشند. بدین‌معنا که، دانشجویان در عرصه‌های مختلف، تمرین زندگی می‌کنند و با افزایش مهارت‌های زندگی، دارای توانمندی‌های فرهنگی و اجتماعی می‌شوند. اما در یک رویکرد آسیب‌شناسانه، فعالیت گروه‌های دانشجویی در دهه‌های اخیر، «کمتر»، «کم‌رونق‌تر»، «وابسته‌تر»، «با مخاطب حداقلی» و به سمت «هیج» سوق یافته است؛ بر اساس منابع معتبر در معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، درصد فعالیت دانشجویان در گروه‌های رسمی دانشجویی به کمتر از ۹ درصد رسیده است و همین فعالیت‌های حداقلی هم در یکسری فعالیت‌های «ضعیف»، «تکراری»، «غیرجذاب» و «کلیشه‌ای» خلاصه می‌شود.

بنابراین، در تاریخ فعالیت گروه‌های دانشجویی دو نوع «چرخش پارادایم» را شاهدیم؛ «چرخش پارادایم رسمی» و «چرخش پارادایم غیررسمی»؛ در رسمی، به جای رویکرد «انتقادی و پرسشگرانه»، رویکرد «توجیه وضع موجود» می‌نشیند و در غیررسمی، به جای فعالیت در عرصه‌های عمومی صحن دانشگاه و جامعه، فعالیت در حیط پستی دانشکده و دانشگاه، «کافه‌ها» و عرصه‌های خصوصی گروهی اتفاق می‌افتد. آسیب‌ها و مسائل اجتماعی افیونی دانشجویی در همین عرصه‌های غیرعمومی رشد می‌کند؛

نتایج پژوهش‌های چند سال اخیر در محیط دانشگاه (اعم از پژوهش‌های چندگانه سیمای دانشجویان از سوی معاونت دانشجویی وزارت علوم و پژوهش‌های ارزش‌ها و نگرش‌های دانشجویی) حکایت از رشد آسیب‌ها و مسائل اجتماعی در محیط‌های دانشجویی و دانشگاه دارد. به عبارت دیگر، یکی از مسائل مهم در زیست دانشجویی این است که آسیب‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی جامعه دانشجویی رو به افزایش است؛ هر چند درصد ابتلاء دانشجویان از میانگین جامعه کمتر است، اما فرآیند رو به رشد آسیب‌پذیری دانشجویان «دختر» نگران‌کننده‌ست.

بنابراین، اگر روند و حرکت «غیرسیاسی» شدن فعالیت گروه‌های دانشجویی «طبیعی» دانسته شود و بخشی از آن به «تغییر جنسیت» جمعیت دانشجویی دانشگاه‌ها نسبت داده شود و جذاب شدن موضوعاتی چون «محیط زیست» و «رویکرد داوطلبانه و خیریه‌ای» را نیز نتیجه بگیریم، نیابستی از آسیب‌ها و مسائل مختلف «تخدیری» و «اخلاقی» دانشجویی غافل شد؛ در خلع فعالیت سالم، مستقل و مفید گروه‌های دانشجویی، اوقات گران‌بهای دانشجویان به «بیهودگی» و «بی‌مهارتی» سپری می‌شود.

واژگان کلیدی

گروه‌های دانشجویی، انجمن‌های علمی، کانون‌ها، تشکل‌های اسلامی، نشریات دانشجویی، شورای صنفی



واکاوی زندگی دانشگاهی دانشجویان بین الملل در ایران: مطالعه موردی اتباع افغانستانی

دکتر سعیده سعیدی

استادیار موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی

Saidi@iscs.ac.ir

سیاست جذب دانشجوی غیرایرانی به افزایش سرمایه مالی، توسعه سرمایه فرهنگی و کسب اعتبار و پرستیژ بین‌المللی، افزایش تفاهم میان فرهنگی، بسط ارتباطات علمی و بین‌المللی و بهبود کیفیت و بهره‌وری آموزشی و پژوهشی می‌انجامد. دانش‌آموزان، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان افغانستانی با اختلافی فاحش بزرگ‌ترین بازیگر غیر ایرانی در نهاد آموزش کشور هستند و شناخت مسائل این گروه، می‌تواند سیاست‌گذاری‌های کاربردی و هوشمندانه‌تر در جهت زمینه‌سازی برای جذب دانشجویان بین الملل بیشتر را فراهم سازد. این پژوهش درصدد پاسخگویی به این سوال است که زندگی دانشگاهی دانشجویان بین الملل با تمرکز بر دانشجویان افغانستانی در ایران چگونه صورت بندی می‌گردد؟ و فرایند انطباق دانشجویان با محیط جدید با چه چالش‌هایی مواجه است؟

روش پژوهش کیفی و مبتنی بر مردم‌نگاری انتقادی است که داده‌های پژوهش علاوه بر مصاحبه متخصصان، از طریق مشاهده همراه با مشارکت و همچنین ۶۲ مصاحبه نیمه ساختار یافته با دانشجویان افغانستانی در شهرهای تهران، قم، گیلان، قزوین و مشهد در بازه زمانی فروردین ۱۳۹۸ تا اسفند ۱۴۰۱ احصا شده است. نمونه‌گیری گلوله برفی و هدفمند بوده و برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل تماتیک استفاده شده است.

زندگی دانشگاهی ارکان مختلفی دارد که شامل آموزش، پژوهش، تسهیلات رفاهی و برنامه‌های فرهنگی است؛ این چهار رکن، به هم وابسته و بر هم تأثیرگذار هستند؛ براساس داده‌های به دست آمده در این پژوهش تمرکز سیاست‌گذاری‌های دانشگاه‌های میزبان غالباً بر وجوه آموزشی و پژوهشی است درحالی‌که اگر مسائل فرهنگی و رفاهی دانشجویان به‌درستی مورد توجه قرار نگیرد کیفیت آموزش و پژوهش مختل خواهد شد. در این مقاله تلاش خواهد شد تا تصویر روشنی از زندگی دانشگاهی دانشجویان افغانستانی در ایران در دو محور چالش‌های انطباق آکادمیک دانشجویان و هم‌چنین چالش‌های زیست‌بوم خدماتی-رفاهی دانشجویان (زیرساخت مادی-عینی، زیرساخت روانی-ذهنی) ارائه گردد.

واژگان کلیدی

جذب دانشجوی بین‌المللی، سیاست‌گذاری، انطباق دانشجویان، اتباع افغانستانی

دانشگاه: مسیر خروج از نابالغی فکری؟

دکتر فرشید یزدانی

دکترای جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه

far.yazd1@gmail.com

" روشنگری ، خروج انسان از نابالغی ای است که خود بر خویشتن تحمیل کرده است. نابالغی، ناتوانی در به کار بردن فهم خود بدون هدایت دیگری است. این نابالغی خود-تحمیلی است اگر علت آن نه در مفید بودن بلکه در فقدان عزم و شهامت در به کارگیری فهم خود بدون راهنمایی دیگری می باشد"

" ایمانوئل کانت"

نقش دانشگاه در مفهومی کلی، یاری رساندن به پیشبرد امر روشنگری است. کمک به جستجوی حقیقت. شاید بدین واسطه است که دانشگاهها به صورت عام، علیرغم بیشترین نقدها و مخالفت ها با دولتهای وقت، هنوز با حمایت دولت ها به کار خود ادامه می دهند. دولت ها در نگاهی تاریخی وظیفه حمایت از این نهاد را به عهده دارند، چرا که در کوتاه مدت و میان مدت آنها رفتنی هستند(در سطح متصدیان و اداره کنندگان دولت و نه خود نهاد دولت) ، اما برای ماندگاری و رشد جامعه دانشگاه ها نیازی غیر قابل انکار هستند. در واقع دانشگاه بخشی از مردم و جامعه است، به این واسطه لازم است به طور مستمر در خدمت منافع عمومی باشد.

در فرآیند دستیابی به حقیقت است که آزادی در اندیشه ورزی و گفتگو در این نهاد اهمیتی دو چندان می یابد. این آزادی و گفتگو نیاز به فضایی برابر و ایمن دارد. نیاز به استاد و دانشجوی جسور دارد. ساحت دانش با رعب و ترس قطعاً نمی تواند معضلی از جامعه را حل کند و فضای بسته کلیت مفهوم دانشگاه را ساقط می کند. "اخلاق اطاعت" دانشگاه را به نهادی خنثی در عرصه اجتماع و در پیشبرد دانش تبدیل خواهد کرد. در این قالب اخلاقی دانشگاه دیگر نمی تواند به درستی ایفای نقش کند و بجای آنکه مکانی برای تلاقی اندیشه ها و در نتیجه ارتقا شناختی شود، مکانی برای افول اندیشه خواهد شد، بجای آنکه به ارتقا درک و فهم متعارف کند در جهت افت آن کار می کند و بجای آنکه نهادی برای همگرایی و انسجام اجتماعی باشد به نهادی برای واگرایی و انشقاق اجتماعی تبدیل می شود. بجای آنکه بتواند به دانشجو کمک کند از حالت نابالغی فکری به در آید، بیشتر او را به انقیاد میکشد و نابالغی مستمری را به این واسطه به جامعه تزریق می کند.

در این بیان، و در این قالب نگاهی کلی به وضعیت دانشگاه و روابط دانشگاه و دانشجو خواهیم داشت با سوالات این چینی: این مناسبات در کدام جهت حرکت می کند؟ آیا ورود به دانشگاه - چه در سطح استاد و چه دانشجو- با الزامات وجود دانشگاه هم راستاست؟ آیا دانشگاه توانسته نقش فراگیر (universal) خود را بخوبی بازی کند؟ در نهایت اینکه سازوکار دانشگاه تا چه حد در راستای خروج از نابالغی فکری دانشجویان عمل می کند؟

واژگان کلیدی

دانشگاه، روشنگری، بلوغ فکری، مناسبات، سازوکار دانشگاه



پنل ۶: بررسی تجارب موفق در پیشگیری و مقابله با مسایل اجتماعی در محیط دانشگاه

-تجارب کشور های موفق در پیشگیری از ناهنجاریهای اجتماعی و فرهنگی در دانشگاهها ، ارمغان مهمدی

- ظرفیت دانشجویی در مواجهه با بحران ها، یک سیاستگذاری هوشمندانه، دکتر احمد کلاته ساداتی

- تجربیات و جایگاه مددکاری اجتماعی در کاهش مسایل و مشکلات دوران دانشجویی، دکتر صفری شالی

واکاوی راهکارهای کشورهای سرآمد در پیشگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی در نهادهای دانشگاهی

ارمغان مهدی

دانش آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهرا

mohmedeearmaghan@yahoo.com

محیط نهادهای دانشگاهی جامعه‌پذیرساز، در انتقال و درونی‌سازی هنجارها و ارزش‌های اجتماعی دانشجویان مؤثر است. با توجه به میزان جوانی جمعیت، فراوانی دانشجویان در حال افزایش است و همگام با آن، ضروری است به مسائل و آسیب‌های اجتماعی دانشجویان، فارغ از جوهر کمی آن، رسیدگی شود تا بستر و فضای درخور برای دانش‌پذیری و توان علمی ایشان فراهم گردد.

در همین راستا، پژوهش فعلی با هدف سبب‌شناسی مسائل اجتماعی در گروه هدف دانشجویان ایرانی در سال ۱۳۹۶ انجام یافته است. در این پژوهش، راهکارهای پیشگیری از برخی مسائل اجتماعی همانند مصرف موادمخدر، مشروبات الکلی، خودکشی، خشونت‌جنسی (انحرافات جنسی)، سرقت و وندالیسم در دانشگاه‌های چهار کشور سرآمد در زمینه پیشگیری (کانادا، انگلیس، استرالیا، ایالات متحده)، با استفاده از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای، گردآوری، توصیف و تحلیل شده و سرانجام در راستای کاربردی این راهکارها در دانشگاه‌های داخلی پیشنهاداتی شده است.

یافته‌های برگرفته از ۲۵ برنامه، به تفکیک هر یک از ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی واکاوی شده‌اند. ۲۳ برنامه، رویکرد پیش‌گیرانه‌ی فردمحور داشته‌اند. در این رویکرد، کاهش عوامل خطرزا و افزایش عوامل محافظت‌کننده از افراد در برابر ارتکاب ناهنجاری‌ها مورد تأکید بوده و بر راهبردهای مبتنی بر فرد، آموزش و نقش ایشان در امر پیشگیری متمرکز شده‌اند. همچنین پرتکرارترین متغیر به کار برده شده در این راهبرد، آگاهی‌بخشی به دانشجویان و بعضاً عموم مردم بوده تا از مضرات و پیامدهای منفی مصرف موادمخدر و مشروبات الکلی، چگونگی مراقبت از اموال، چگونگی راهنمایی و بازتوانی بازماندگان خودکشی، رفتارهای وندالیستی و راهبردهای پیش‌گیرانه از اعمال خشونت جنسی بر علیه زنان آگاه شوند. حدود نیمی از برنامه‌ها نیز بر استفاده از راهبردهای مکان‌محور یا دست‌کاری در خصایص محیطی و مکانی دانشگاه یا شهر تأکید داشته‌اند. همچنین حدود یک‌سوم از برنامه‌ها (۸ برنامه) با استفاده از رویکردی موقعیت‌محور (کاهش فرصت‌ها و شرایط پرخطر)، به پیشگیری از ناهنجاری‌ها در محیط دانشگاه روی آورده‌اند.

به طور کلی، وجوه گوناگون پیشگیری در برنامه‌ها عبارت‌اند از مراقبت یا نظاره‌گری اجتماعی، اجتناب، اطلاع‌رسانی به نهادهای معتمد، امنیت فناورانه، امنیت فردی و طراحی محیطی. پیشنهاد می‌شود با توجه به اهمیت مباحث مربوط به تقویت جامعه‌مدنی و کاهش نقش‌های تصدی-گرانه‌ی دولت و وزارتخانه‌ها، از رویکردهای مشارکتی در ایده‌هایی چون «گشت‌های دانشجویی» و «سلسله جلسات حمایتی دانشجویان برای دانشجویان آسیب دیده»، برای تدوین و اجرای برنامه‌های آتی استفاده شود.

واژگان کلیدی

ناهنجاری‌های فرهنگی، ناهنجاری‌های اجتماعی، راهکارهای جهانی، رویکرد پیش‌گیرانه فردمحور

ظرفیت دانشجویی و مواجهه با بحران‌ها؛ یک سیاست‌گذاری هوشمندانه

دکتر احمد کلاته ساداتی

دانشیار جامعه شناسی، دانشگاه یزد

asadati@yazd.ac.ir

اقدامات انسان‌دوستانه به مجموعه فعالیت‌ها و کنشگری‌های دولتی و غیردولتی گفته می‌شود که بخصوص در بحران‌های انسانی و اجتماعی، ضرورت وجود و حضور آن‌ها غیرقابل انکار است. هدف اصلی و غایی این اقدامات نجات زندگی یا به حداقل رساندن آسیب‌ها بخصوص در بحران‌هاست. تحقیق حاضر به مطالعه تجربه‌ی زیسته دانشجویی در دو بحران سیل در منطقه خرم‌آباد و همه‌گیری کووید-۱۹ در سال ۱۳۹۹ در میان دانشجویان دانشگاه یزد پرداخته است. مطالعه کیفی است و در دو سال ۱۳۹۸ و سال ۱۳۹۹ انجام شد. مضامین بر ساخت شده در تحقیق عبارتند از ایثار، سیاست‌زدگی، بی‌دانش و کم‌مهارتی. سیاست‌گذاری هوشمندانه می‌تواند روی هر سه بعد احصاء شده در تحقیق تمرکز کند. بدین معنا که با افزایش ظرفیت معنوی و انسان دوستی در بین دانشجویان و ارتقای آن باعث افزایش مشارکت آنها در بحران‌ها شود. توجه بیشتر به ابعاد و انگیزه‌های انسانی در بحران‌ها، نسبت به ابعاد سیاسی از دیگر بر ساخت‌های تحقیق است. در مجموع تحقیق به فهم محوری حمایت اجتماعی از اقدامات انسان‌دوستانه رسید. این حمایت می‌تواند با ارتقای ابعاد معنوی، کم کردن نگره‌های سیاسی و افزایش دانش و مهارت گروه‌های دانشجویی برای مداخله در هر بحران متمرکز شود. این امر متضمن شکل‌گیری یک نهاد دانشجویی متمرکز در دانشگاه‌هاست که اقدامات انسان‌دوستانه را توسعه و بسط دهد و به افزایش دانش و مهارت آنها به صورت تخصصی بر هر بحرانی کمک کند. ابتکار عمل و خلاقیت دانشجویی، ظرفیت ناگشوده‌ای است که در جهان مخاطره‌ای می‌توان از آن به صورت بهتر برای کم کردن مصائب و پیامدهای بحران‌های مختلف بهره گرفت.

واژگان کلیدی

اقدامات انسان‌دوستانه، بحران، همه‌گیری کووید-۱۹، حمایت اجتماعی

تجربیات و جایگاه مددکاری اجتماعی در کاهش مسایل و مشکلات دوران دانشجویی

دکتر رضا صفری شالی

دانشیار دانشگاه خوارزمی

reza_safarishali@khu.ac.ir

مددکاری اجتماعی از جمله دانش‌ها و حرفه‌های تأثیرگذار در فرایند جامعه‌پذیری، آموزش مهارت‌های زندگی و کاهش مسایل و مشکلات اجتماعی، (خصوصاً مسایل نوپدید اجتماعی در بین جوانان و دانشجویان) است؛ چرا که، مددکاری اجتماعی (با استفاده از دانش روانشناسی اجتماعی و مهارت‌های عملی و جبران کاهش فعالیتها و حمایت‌های خانواده) باعث تقویت عزت‌نفس، امید به آینده و کنش‌های متقابل سازنده فرد شده و کنش افراد را در اشکال فردی، گروهی و اجتماعی در جهت تعامل مثبت با دیگران و محیط افزایش می‌دهد.

مطالعه حاضر، در صدد پاسخگویی به این سوال که چه نقش و جایگاهی را می‌توان برای مددکاری اجتماعی در جهت کاهش مسایل و مشکلات دوران دانشجویی با توجه به تجارب بالای ۶۰ ساله آن قائل شد؟ یافته‌های مطالعه اسنادی و تجارب نگارنده مبین آن است که، در این فرایند یاری‌رسانی، مددکاران اجتماعی با استفاده از دو نقش پیشینی و پسینی خود^۱ نقش پیشگیرانه، با انجام امور برنامه‌ریزی و تدوین سیاست اجتماعی حمایتی، خدماتی، آموزشی و مشاوره‌ای و^۲ نقش درمانی و جبرانی و با کاربست روشهای مستقیم مداخله و یا مواجهه با دانشجویان (خصوصاً دانشجویان ساکن خوابگاه)، کمیت و کیفیت بهزیستی و سلامت اجتماعی آنان را بهبود بخشیده و باعث کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌گردند.

بر این مبنای، فعالیتهای مددکاری اجتماعی متضمن چند کارکرد اجتماعی به شرح زیر است:

- ۱- کمک به دانشجویان در جهت استفاده بیشتر و موثرتر از توانایی خود در رشد و پیشرفت خود و حل مشکلات فردی، خانوادگی، گروهی و اجتماعی که با آن مواجهه شده و یا خواهند شد (تعامل بین عامل به مثابه کنشگر و جامعه به عنوان ساختار)
- ۲- بالا بردن قابلیت سازگاری و انطباق خود با محیط و ضرورت تغییر در آن در صورت نیاز (خصوصاً برای دانشجویانی که ساکن خوابگاه بوده و دور از خانواده هستند)
- ۳- تسهیل کنش‌های متقابل، اصلاح، تغییر و نیز ایجاد روابط جدید بین دانشجویان و منابع متعدد اجتماعی برحسب ضرورت
- ۴- کمک در فرایند جامعه‌پذیری در دوران دانشجویی و پذیرش نقشهای اجتماعی جدید و متعدد
- ۵- آموزش مهارت‌های زندگی در خصوص ایفای نقشهای مختلف در زمان حاضر و آینده
- ۶- توان افزایش افراد در مواجهه با مسائل و بالا بردن آستانه تحمل، ضریب کنترل اجتماعی و...

واژگان کلیدی

مددکاری اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی، آسیب اجتماعی، سیاست اجتماعی، درمان، پیشگیری و خدمات اجتماعی.